





شکوفه‌های باغ بندگی
عبدالأحد اسلامی

فهرست مطالب

■ فصل اول

ضرورت و اهداف سوق دادن کودکان به یادگیری

مفاهیم دینی ۹

هدف‌های آموزشی فصل ۱۰

زمان آغاز آموزش ۱۵

ضرورت و اهمیت سوق دادن کودکان به یادگیری

آموزه‌های دینی ۱۹

آثار و فواید آموزش دین در کلام معصومان علیهم‌السلام ۲۳

هدف آموزش مفاهیم دینی به کودکان ۲۵

منابع بیشتر برای مطالعه ۲۷

■ فصل دوم

تحول روانی - دینی کودک پیش‌دبستان از نگاه اسلام و

روانشناسی ۳۱

۳۲	هدف‌های آموزشی فصل
۳۳	مقدمه
۳۳	کودکی
۳۵	ویژگی‌های کودکی دوم
۴۵	مراحل رشد کودک و نوجوان از نگاه اسلام
۴۷	ویژگی‌های هفت سال نخست کودک در روایات
۶۸	منابع بیشتر برای مطالعه

■ فصل سوم

۷۱	اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان
۷۲	هدف‌های آموزشی فصل
۷۳	مقدمه
۱۱۱	شیوه‌های آموزش مفاهیم دینی به کودک
۱۴۰	منابع بیشتر برای مطالعه

■ فصل چهارم

۱۴۳	پرسش‌های کودکان و مهارت‌های پاسخگویی
۱۴۴	هدف‌های آموزشی فصل
۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	مهارت‌های پاسخگویی
	هشدارها و آسیب‌های پاسخگو نبودن یا پاسخگویی
۱۶۶	نامناسب
۲۰۰	جمع‌بندی



ویژگی‌های مربی ۲۰۰

کتابنامه ۲۰۵



فصل اول

ضرورت و اهداف سوق دادن کودکان

به یادگیری مفاهیم دینی

- زمان آغاز آموزش
- ضرورت و اهمیت سوق دادن کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی
- آثار و فواید آموزش دین
- اهداف آموزش مفاهیم دینی به کودکان

هدف‌های آموزشی فصل

- انتظار می‌رود مربی بتواند در پایان فصل مطالب زیر را تبیین کند:
- امکان آموزش مفاهیم دینی به کودک و زمان آغاز آموزش
- ضرورت و اهمیت سوق دادن کودکان به یادگیری مفاهیم دینی
- آثار و فواید آموزش دین
- اهداف آموزش مفاهیم دینی به کودکان

مقدمه

یکی از مسائل والدین و مربیان مهدکودک‌ها و مدارس پیش‌دبستانی، پرسش‌های متعدد و فراوان کودکان درباره مفاهیم دینی و به ویژه خداوند است. ذهن کنجکاو کودک به دنبال شناخت بهتر خداوند است و پرسش‌های او از اهمیتی خبر می‌دهد که به این موضوع داده است. هنگامی که کودک به خدا می‌اندیشد و یا از زبان والدین مربیان بارها جملاتی را درباره خداوند یا دیگر مفاهیم دینی می‌شنود، مانند "خدا مهربان است"، "خدا کمک می‌کند"، "خدا ما را تنها نمی‌گذارد"، "توکل بر خدا"، "هر چه خدا بخواهد"، "روزی ما دست خداست"، "پیامبران و امامان مهربان‌اند"، "بهشت و جهنم وجود دارد" و جملات فراوان دیگر، بیشتر به یادگیری درباره مفاهیم دینی و به ویژه خداوند مایل

می‌شود؛ خداوندی که هم به صورت فطری و هم به دلیل یاد فراوان او در خانه، به عنوان قدرتی برتر در ذهن و روان کودک نقش بسته است.

کودک تصورات اولیه‌ای از آموزه‌های دینی دارد که می‌تواند با اطلاعات تکمیلی مریبان کامل‌تر شود؛ یا با برخورد نادرست آنان و نیز اطلاعات وارونه‌ای که از آنها دریافت می‌کند، نوعی ترس و وحشت از خدا و دین در روان او شکل گیرد. پس برداشت‌های اولیه کودک و پایه‌های توحیدی او از همان دوران خردسالی بنا نهاده می‌شود.

بدون تردید خانواده، مدرسه، هم‌سالان و اجتماع دینی در اکتساب و حفظ رفتارها و باورهای ایمانی و دینی تأثیر مهمی دارد.^۱ خانه، نخستین مدرسه‌ای است که رشد معنوی کودک در آن شکل می‌گیرد و والدین نیز اولین معلمان او هستند. مطالب آموخته شده در محیط خانه، غالباً عمیق‌تر و

۱. محمود نودری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، ص ۶۵.

پایدارتر از مطالبی است که در دیگر مکان‌ها فراگرفته می‌شود.^۱ اگرچه در خصوص آموزش دینی، مدرسه آغازکننده حرکت نیست، اما پیچیدگی‌ها و مشکلات زندگی موجب شده‌اند، والدین تمامی وظایف آموزشی و تربیتی خود و در آن میان، آموزش مذهبی را به نهادهای آموزشی بسپارند و بر بار مسئولیت این نهادها صد چندان بیفزایند.^۲

مربیان از اساسی‌ترین عناصر دخیل در فرایند تربیت شمرده می‌شوند که در هر فعالیت تربیتی وجودشان ضروری است. مربیان عاملی تأثیرگذار در فرایند تربیت‌اند؛ اعم از اینکه آنان بر روی خود تأثیرگذار باشند یا بر روی دیگری. خواه در نقش مربی و معلم آموزشگاه رسمی باشند، خواه در نقش مبلغ دین و معلم اخلاق، خواه در نقش پدر و مادر یا هر نقشی که جنبه تربیتی و هدایتی دارد.^۳ مربیان چه افراد

۱. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۵۶.

۲. پریخ دادستان، ۱۸ مقاله در روان‌شناسی، ص ۲۳۱.

۳. علی همت بناری، نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در

معتقدی باشند یا نه، احتمالاً کودکان در مرحله‌ای از زندگی، پرسش‌هایی صریح و موشکافانه درباره مفاهیم دینی از ایشان خواهند پرسید.^۱ در این میان، معرفی خدا به عنوان اصلی‌ترین و ماندگارترین مفهوم دینی، جایگاه ویژه‌ای دارد که ناآگاهی مریبان، گذار از این مرحله حساس را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

امام سجاد علیه السلام در شمارش حقوق فرزند بر والدین، یکی از مهم‌ترین مسائل را توجه به دین‌آموزی کودکان برمی‌شمارند و والدین را با این وظیفه خود این‌گونه آشنا می‌کنند: "حق فرزندت این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست. پس بی‌گمان تو درباره آنچه بر عهده داری، یعنی خوب تربیت کردن او، راهنمایی کردن او به سوی خداوند و یاری او در فرمان‌برداری از خداوند، مسئولی.

بنابراین، در کار او همانند کسی رفتار کن که می‌داند برای نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود.^۱

آن حضرت در سفارشی مهم می‌فرماید: "پدر باید بداند در حوزه ولایت و سرپرستی‌اش درباره کودک مسئولیت دارد که ادب صحیح را به او بیاموزد وی او را به سوی شناخت پروردگار راهنمایی کند."^۲

زمان آغاز آموزش

"چه"، "کجا"، "چگونه"، و "چرا" نخستین واژگانی هستند که کودکان فرامی‌گیرند.^۳ میل به پرسش در سه تا هفت سالگی از کنجکاوی کودک حکایت می‌کند. این کنجکاوی پیوسته تغییر صورت می‌دهد؛ یعنی کنجکاوی

۱. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۲.

۲. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۹.

۳. ایرس، یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خد، ص ۱۱.

کودک در برابر چیزی که نمی‌شناسد یا نمی‌فهمد، به صورت تعجب ظاهر می‌گردد یا به صورت عطش سیراب ناشدنی به بیشتر شناختن جلوه می‌کند. کنجکاوی کودک بدون هدف و نتیجه نیست و متضمن شرکت فعالانه اوست.^۱ بهترین زمان کاشتن نهال توحید و پرورش ایمان در کودک، زمانی است که دستگاه ادراکی او به فعالیت می‌افتد و حس کنجکاوی در وی بیدار می‌شود و پیوسته از منشأ و علت اشیا می‌پرسد. در این هنگام، روان پاک و بی‌آلایش او پذیرای خالق جهان است.^۲ امروزه روان‌شناسان نیز معتقدند آموزش‌های دین‌داری باید از دوران کودکی آغاز گردد تا نهاد کودک رنگ و بوی دینی بگیرد و رفتار او در دوره‌های دیگر زندگی بر دین‌داری بنا نهاده شود.^۳

۱. دس، مراحل تربیت، ص ۴۴.

۲. فلسفی، گفتار فلسفی؛ نقش وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳. سیده زینب تقوی و محمود ستارزاده، فصل‌نامه روان‌شناسی و دین، ص ۹۶.

داوری دربارهٔ تجویز یا عدم تجویز آموزش دین به کودکان، به تعیین هدف از آموزش مربوط می‌شود. اگر هدف از آموزش، انتقال مباحث کلامی دربارهٔ خدا و صفات او، همان‌گونه که به بزرگسال آموزش داده می‌شود، باشد که مباحث بسیار انتزاعی را در برمی‌گیرد، این هدف آموزشی صحیح نخواهد بود؛ چرا که کودک فاقد ظرفیت شناختی لازم برای یادگیری چنین مباحثی است. اما اگر هدف از آموزش، گفتگو با کودک در سطح پرسش‌هایی باشد که برای او مطرح است یا اساساً آشنایی با اصل مفاهیم و گزاره‌های دینی مدّ نظر باشد، انجام چنین آموزش‌هایی توصیه می‌شود و حتی ضروری به نظر می‌رسد.^۱ البته باید دو پیش‌فرض را در نظر گرفت: ۱. مریی باید با منطق دورهٔ کودکی و تفاوت

۱. محمود نوذری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان شناختی - دینی، ص ۶۸.

آن با بزرگسالی آشنا باشد؛ ۲. دانش و مهارت لازم را برای برقراری رابطه‌ای دوسویه در سن پیش‌دستانی دارا باشد.^۱

اگر می‌خواهیم پیام‌رسانی مذهبی متناسب با ویژگی‌های کودک را برنامه‌ریزی کنیم، ناگزیر باید در دنیای کودکانه آنها گام نهیم و از دید آنها به معارف دینی بنگریم. ناآگاهی از برداشت‌های کودکانه، تعلیم و تربیت مرییان را دچار کمبودها و نقص‌های گوناگونی خواهد کرد.^۲ عمل به مراسمی چون گفتن اذان و اقامه در دو گوش کودک، کام برداشتن او با تربت امام حسین علیه السلام، غسل مولود دادن، ختنه کردن، تراشیدن موی سر و هم‌وزن آن طلا یا نقره صدقه دادن، نام‌گذاری به نام‌های نیکو و...، گواه توجه اسلام به این دوره‌های زمانی حساس است.^۳

۱. همان، ص ۶۹.

۲. ناصر باهنر، دو فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۳. ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۱۲۷.

با توجه به این نکته‌ها، آموزش مفاهیم دینی نباید به تأخیر افتد؛ زیرا ذهن خالی آنان، بهتر و راحت‌تر می‌پذیرد. حق مانند حوض تازه ساخته شده تمیزی است که با آب تمیز پر می‌شود. اما اگر مقداری از این حوض تمیز را با آب کثیف پر کنند، دیگر هر چه آب تمیز در آن ریخته شود، باز هم آلوده خواهد بود.^۱

ضرورت و اهمیت سوق دادن کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی

بخش عمده پیروزی‌ها و موفقیت‌ها و گاه شکست‌ها و نابسامانی‌های دوره بزرگسالی، در کمال تربیت یا سوء تربیت در دوره کودکی و نوجوانی ریشه دارد.^۲ کودکی که با خدا آشناست، هیچ‌گاه احساس پوچی نمی‌کند و در جای جای

۱. سید علی حسینی زاده، تربیت فرزند؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، ص ۱۷۳.

۲. محمدجواد، طبعی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت ، ص ۱۲۹.

زندگی‌اش تکیه‌گاه استواری دارد و با همین تکیه‌گاه در برابر مشکلات پایداری می‌ورزد. زمانی که برادران یوسف علیهم‌السلام او را در چاه انداختند، یوسف علیهم‌السلام نه ساله بود. وقتی کاروان از کنار چاه گذشت و یکی از کاروانیان یوسف علیهم‌السلام را دید، صدایش را بلند کرد و گفت: کاروانیان بایستید، بیایید و به این کودک غریب و تنها کمک کنید. اما وقتی یوسف علیهم‌السلام این تربیت شده دینی - سخن او را شنید، فرمود: "انسانی که با خداست، هیچ‌گاه غریب و تنها نیست." ^۱ آموزش‌های دوران کودکی اثر خود را در بزرگسالی خواهد گذاشت. براین اساس، ضروری است کودک در حد توان و ظرفیت خود با این مفاهیم آشنا شود. در دیوان منسوب به امیرمؤمنان علیه‌السلام آمده است: "پسرانت را در کودکی به [آموختن] آداب، تشویق کن تا در بزرگسالی چشمان تو به آنان روشن شود. همانا حکایت آدابی که آن را در دوران کودکی گرد

۱. فلسفی، گفتار فلسفی؛ نقش وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۱۹۰.

می‌آوری، همانند نقش کندن بر سنگ است. اینها گنجینه‌هایی است که ذخایر آن رشد می‌کند و بر آنها از حوادث دگرگون کننده، بیمی نیست".^۱

خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای آموزش فرزندان‌شان بهره نمی‌برند، در دوران بلوغ و نوجوانی معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دین را تا مرحله نوجوانی یا جوانی به تأخیر انداخته است، هر چند به موازین دین معتقد باشد، به علت نبود تمرین عملی و آمادگی روحی، معمولاً نمی‌تواند به راحتی به احکام دین عمل کند.^۲ از سوی دیگر، پرسش‌های کودکان درباره خدا را نیز باید جدی گرفت و بدان‌ها پاسخ داد. پاسخ‌هایی همچون "بعد می‌فهمی" یا "بزرگ می‌شوی و خواهی فهمید" درست نیست؛ زیرا ممکن است کودک از

۱. زمانی، مصطفی، دیوان امام علی علیه السلام: اشعاری که منسوب به امام علی

علیه السلام است ص ۲۴۲، ش ۱۶۳.

۲. محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۸۰.

ناآگاهان یا غرض‌ورزان بپرسد و دچار سردرگمی یا انحراف شود.^۱ در روایتی وارد شده است: "کسی که پدر و مادر او را تربیت نکند، روزگار آنچه را باید بیاموزد به او خواهد آموخت".^۲

بی‌توجهی به تربیت دینی کودکان، پیامدهای ناگواری برای خانواده و جامعه در پی خواهد داشت.
مکن در این چمن سرزنش به چنانچه تربیت می‌کنند می‌رویم

(حافظ)

امامان معصوم علیهم‌السلام با شرکت دادن کودکان در جلسه دعا، فطرت خداجوی آنان را بیدار و تقویت می‌کردند.^۳ از این رو، در روایتی بر ایجاد پیوند کودکان و نوجوانان با اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن تأکید شده است: "فرزندان خود را بر سه ویژگی

۱. حسین دهنوی، نسیم مهر، ص ۱۳۰.

۲. قمی، سفینه البحار، ماده ادب، ص ۵۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن".^۱

آثار و فواید آموزش دین در کلام معصومان علیهم السلام

آثار و بهره‌های آموزش دین، هم در زندگی کودکان قابل لمس خواهد بود و هم والدین شیرینی آن را خواهند چشید. امام علی علیه السلام در روایتی زیبا چنین می‌فرماید: "هر کس در خردسالی بی‌رسد، در بزرگسالی پاسخ می‌دهد."^۲ آن حضرت در عبارتی دیگر، اهمیت این پرسش‌ها و پاسخ‌ها را در رشد شناختی کودک این‌گونه تبیین می‌فرماید: "کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگسالی پیش نمی‌افتد."^۳ امام صادق علیه السلام نیز تعبیری شبیه امام علی علیه السلام دارند و می‌فرمایند:

۱. نور الله، تستری، الصواعق المهرقه فی جواب الصواعق المحرقة، ص ۱۷۲.
۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۲۷۳.
۳. همان، ح ۸۹۳۷.

"لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد: فرزندم! اگر در کودکی ادب آموختی، در بزرگی از آن بهره خواهی برد."^۱
 در روایات اسلامی آمده است هرگاه معلم به کودکی بگوید بگو "بسم الله الرحمن الرحيم" و کودک بگوید، خداوند یک فرمان رهایی از دوزخ برای کودک، یکی برای والدین و یکی برای معلم وی می‌نویسد.^۲ در روایتی نیز پادشاه آموزش قرآن والدین چنین بیان شده است: "هیچ کس نیست که به فرزندش قرآن بیاموزد، مگر آنکه روز قیامت بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی گذاشته می‌شود و دو لباس بر آنها می‌پوشانند که مردم همانند آن را ندیده‌اند."^۳

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۹.

۲. دیلمی، احمد بن خلیل، اخلاق اسلامی، ص ۲۶۸.

۳. علی بن الحسام الدین المنتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۲۴۲۱.

هدف آموزش مفاهیم دینی به کودکان

هدف از آشناسازی کودکان با مفهوم خداوند و دیگر مفاهیم دینی را می‌توان چنین برشمرد:

- غنی‌سازی افکار کودک و پایه‌ریزی توحید در ذهن و جان او؛

- ایجاد علاقه به خداوند و اولیای الهی؛
- پرورش احساس مسئولیت در برابر خداوند؛
- پدیدآیی حالت‌های اولیه ایمان در کودک؛
- جلوگیری از بروز اندیشه‌های انحرافی؛
- تبدیل به باورهایی مبتنی بر شناخت درست (به دنبال شناخت درست رفتارهای دینی درست نیر خواهد بود)
- برخورداری از سلامت روان.^۱

پرسش‌های فصل

۱. امام سجاد علیه السلام در شمارش حقوق فرزند بر والدین، درباره توجه به دین‌آموزی کودکان چه می‌فرماید؟
۲. داوری درباره تجویز یا عدم تجویز آموزش دین به کودکان به چه عاملی مرتبط است؟ توضیح دهید.
۳. سخن حضرت یوسف علیه السلام هنگام نجات از چاه در کودکی نشانه چیست؟
۴. سه اثر آموزش دین را با توجه به روایات این فصل بیان کنید. هدف از آشناسازی کودکان با مفاهیم دینی چیست؟

سؤال برای تفکر بیشتر

۱. به نظر شما در آموزش مفاهیم دینی به کودک، مثلاً در آموزش مفهوم خدا، کدام‌یک از حیثه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری اولویت بیشتری دارد؟ چرا؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. اخوی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *خدا در زندگی کودکان*، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام. (فصل اول)
۲. باهنر، ناصر، (۱۳۸۰)، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی* و *رشد*، چاپ نهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. (فصل سوم و چهارم)
۳. بستانی، محمود، (۱۳۸۷)، *اسلام و روان شناسی*، ترجمه: محمود هویشم، چاپ سوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. جهانگرد، یداله، (۱۳۷۳)، *نحوه رفتار والدین با فرزندان*، چاپ چهارم، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۵. حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۸)، *نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ چهارم، ج ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. داوودی، محمد، (۱۳۸۶)، *تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ سوم، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷. دهنوی، حسین، (۱۳۸۵)، نسیم مهر، چاپ شانزدهم، ج ۱، قم: خادم
الرضا علیه السلام.
۸. زارعان، محمدجواد و ایرج شگرف نخعی، (۱۳۸۱)، جایگاه تربیت
دینی در ساختار نظام آموزش و پرورش، معرفت، ش ۵۷، ص ۸ -
۲۲.
۹. سادات، محمد علی، (۱۳۷۲)، راهنمای پدران و مادران، چاپ دوم،
ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. سادات، محمد علی، (۱۳۷۶)، رفتار والدین با فرزندان، چاپ پنجم،
تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۱. سادئی، علی و محمد جعفر جوادی، (۱۳۷۴)، بررسی عوامل مؤثر در
ترغیب دانش‌آموزان به نماز، بیونفد، ش ۲۱۵ - ۲۱۳، ص ۶۴ -
۷۷.
۱۲. طبسی، محمد جواد، (۱۳۷۶)، حقوق فرزندان در مکتب اهل
بیت علیهم السلام، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۳. فرهادیان، رضا، (۱۳۹۰)، آنچه والدین و مربیان باید بدانند، چاپ
هفدهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۴۱)، گفتار فلسفی، نقش وراثت و تربیت،
ج ۲ و ۱، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.

۱۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، *حکمت نامه کودک*، مترجم و

همکار: عباس پسندیده، چاپ اول، قم: دارالحدیث.

۱۶. مقدسی پور، علی، (۱۳۸۲)، "اصول و روش های آموزش مفاهیم

دینی به کودکان"، *ماهنامه معرفت*، سال دوازدهم، ش ۷۵، ص

۳۶ - ۴۴.

فصل دوم

تحول روانے - دینے کودک پیش دبستان

از نگاه اسلام و روان شناسے

- کودکی
- ویژگی های کودکی دوم
- تحول دین داری در کودکان از نگاه روان شناسان
- مراحل رشد کودک از نگاه اسلام
- ویژگی های هفت سال نخست کودک در روایات

هدف‌های آموزشی فصل

- انتظار می‌رود مربی بتواند در پایان فصل مطالب زیر را تبیین کند:
- دوره‌های کودکی
- ویژگی‌های کودکی دوم
- تحول دین‌داری در کودکان از نگاه روان‌شناسان
- مراحل رشد کودک از نگاه اسلام
- ویژگی‌های هفت سال نخست کودک در روایات

مقدمه

مربی موفق برای موفق بودن در انتقال مفاهیم دینی کودک، باید کودک و تحول روانی او را بشناسد و همچنین بتواند از تحول دینی کودک آگاهی داشته باشد. بدون آگاهی از کودکی که در مهد کودک یا مرکز پیش‌دبستانی مخاطب مربی است، آموزش‌ها ناتمام و کم‌تأثیر خواهد بود.

کودکی

در سال‌های اخیر تقسیم کودکی از آغاز (تولد) تا پایان (آغاز نوجوانی) به سه مرحله، متداول شده است:

۱. کودکی اول یا کودکی نخست (نوزادی، شیرخوارگی - تولد تا یک و نیم و دو سالگی):

کودکی نخست، بخشی از کودکی است که از تولد تا زبان باز کردن ادامه دارد و این دوره را می‌توان دوره پیش‌کلامی و دوره حسی - حرکتی نامید.^۱

۲. کودکی دوم یا کودکی میانه: (دو تا شش و هفت سالگی):

کودک در این مرحله در مقایسه با مرحله قبل به ساز و کارهای شناختی جدیدی مجهز می‌شود، فرآیندهای جامعه‌پذیری تازه‌ای را تجربه می‌کند و تحت تأثیر جنبه‌های عاطفی خاصی قرار می‌گیرد که در مجموع، نویدبخش ظهور مرحله‌ای متفاوت است.^۲

۳. کودکی سوم^۳ یا کودکی پایانی: (شش و هفت تا یازده و دوازده سالگی)

۱. محمود منصور، روانشناسی ژنتیک، ص ۱۶۹.

۲. محمود نوذری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز

جوانی: رویکردی روان شناختی - دینی، ص ۶۳.

برخی از روان‌شناسان این دوره از کودکی را دوره دبستانی نامیده‌اند. در دبستان کودک به جهان گسترده‌تری گام می‌نهد. فاصله اجتماعی او از مادرش افزایش می‌یابد. شور و علاقه و کمک‌های مادر کمتر به یاری‌اش می‌آید. افراد بیشتری وارد زندگی او می‌شوند. بیشتر روی پای خود می‌ایستد. موفقیت‌های او بیشتر به کوشش‌های خودش بستگی پیدا می‌کند. کودک رفته‌رفته از وابستگی به بزرگسالان خارج می‌شود و به همکاری و رفاقت با کودکان دیگر گرایش می‌یابد.^۱ در این کتاب تمرکز بر کودکی دوم و سن دوران مهدکودک و پیش‌دبستان است.

ویژگی‌های کودکی دوم

برخی از ویژگی‌های این مرحله (سن دو تا شش و هفت سالگی) در ذیل می‌آید:

۱. محمد پارسا، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۱۸۸.

رشد بدنی

کودک در این مرحله از نظر بدنی سریع، ولی با ضریب‌های آهسته‌تر از کودکی نخست رشد می‌کند. دستگاه‌های عضلانی و اسکلتی نمو می‌کنند و نخستین دندان‌ها به طور کامل در می‌آیند. چرخه‌های خواب با افزایش سن تغییر می‌یابد. کودک معمولاً تمام شب را می‌خوابد و وسط روز نیز مدت کوتاهی می‌خوابد و هر چه سن او افزایش می‌یابد، این خواب کوتاه در او عمیق‌تر است. کودک در زمینه حرکتی وسیع، مانند راه رفتن و در زمینه فعالیت حرکتی، ظریف است و نیز هماهنگی چشم و دست به سرعت پیشرفت می‌کند.^۱

تحول شناختی

در این سطح بازشناسی در کودک خوب، ولی یادآوری از تحول کمتری برخوردار است. در قلمرو زبان، خزانه واژگان

۱. محمود منصور، روانشناسی ژنتیک، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

کودک از آغاز این دوره به سرعت غنی تر می‌شود و رعایت دستور زبان، بهبود قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. بازی رمزی در این سطح گسترش می‌یابد و به قله می‌رسد.^۱ امکان تجسم اشخاص غایب و مکان و رویدادهای دور از نظر را برای وی فراهم می‌سازد و کودک می‌تواند بر مبنای این تجسم‌ها به استدلال بپردازد. کنش نمادی در شکل زبان، در شکل تقلید در غیاب الگو یا در شکل بازی رمزی بروز می‌یابد و فکر کودک را از انعطاف بیشتری برخوردار می‌سازد.^۲

تحول اخلاقی

احساس اخلاقی، نوعی ظرفیت حفظ ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که کودک ناگزیر از پذیرفتن آنهاست، یا ارزش‌های هنجاری یا دستوری که جنبه خودجوش ندارند.

۱. همان، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۱۷۸.

نخستین احساسات اخلاقی در گستره احساسات خانوادگی شکل می‌گیرد.

اجتماعی شدن کودک در ارتباط با هم سن و سال‌ها
 کودکان از سه تا پنج سالگی به دنبال یکدیگرند و از با هم بودن به صورت دونفره یا سه‌نفره لذت می‌برند. البته این کوشش در راه ایجاد ارتباط به نتایج مهمی نمی‌انجامد؛ چراکه هنوز سازماندهی مشترک فعالیت وجود ندارد. از حدود پنج سالگی به بعد بیشتر می‌توان از بازی‌های مشارکتی صحبت کرد؛ بازی‌هایی که در آنها تعداد شرکت‌کنندگان به چهار - پنج نفر می‌رسد و بین آنها تعامل‌های فراوان‌تر و طولانی‌تری ممکن می‌شود.^۱

تحول دین‌داری در کودکان از نگاه روان‌شناسان

پژوهش‌های روان‌شناسان غربی درباره تحول دینی کودک به نتایجی رسیده است که در این بخش به برخی از نتایج پژوهش‌های دانشمندان معروف اشاره می‌کنیم:

۱. پیاژه^۱

کودکان برخلاف بزرگسالان باید معنای هر واژه جدید را از طریق دستکاری بیاموزند. پیامد این وضعیت این است که واژه‌ها تنها معنای عینی و محدود خواهند داشت. کودکان در ابتدا قدرت انتزاع اندکی دارند و نمی‌توانند دسته‌بندی کلی کنند و همچنین توانایی کمی برای تفکر بر اساس اصول کلی دارند. بنابراین، دین در دوره کودکی در قالب اعمال عینی پدیدار می‌شود. پس مفاهیم دینی که معنای عینی ندارند، به واسطه مصادیق محسوس مشابه درک می‌شوند. مفهوم خدا برای اوایل کودکی احتمالاً "معنای شخص

۱. Piaget, J.

بزرگ" دارد. اگر خدا پدر نامیده می‌شود، کودک برحسب اندازه بسیار بزرگ و پدر قدرتمند آن را تصور می‌کند؛ پدری که شبیه به پدر واقعی است.^۱

به عقیدهٔ پیائزه کودک در چهار تا هفت سالگی به طور طبیعی علل وجودی اشیا را در خدا یا بشری روحانی و پر قدرت جستجو می‌کند. این دوره شامل خردسالان، یعنی کودکان پیش دبستانی و حتی کودکان در دو سال نخست دبستان می‌شود. در این دوره تفکر دینی کودکان دو ویژگی عمده دارد: خودمیان‌بین بودن و تک‌کانونی بودن (تمرکزگرایی).

خودمیان‌بینی بدین معناست که داورهای کودک صرفاً از نگاه خود او صورت می‌گیرد. او نمی‌تواند خود را به جای دیگران بگذارد و از چشم آنان به قضیه بنگرد. تک‌کانونی بودن یعنی یک جنبه از یک حادثه را جدا

می‌کنند، و نه جنبه مهمی از آن را. به "خداوند" در قالب‌های بسیار انسان‌گونه می‌نگرند و آشفتگی زیادی در ذهن کودک درباره خدا وجود دارد. مثل اینکه او تصور می‌کند خدا در بهشتی زندگی می‌کند که در آسمان‌ها قرار دارد، او نیز گرسنه می‌شود و غذا می‌خورد و خداوند مردم را به دو دسته خوب‌ها و بد‌ها تقسیم می‌کند.^۱

۲. هارمز^۲

هارمز بیش از ۴۸۰۰ کودک و نوجوان بین سه تا هجده ساله را بررسی کرد. وی از آنان خواست در مورد خداوند صحبت و تصویر وی را نقاشی کنند.^۳ بر پایه نتایج، در دوره سنی سه تا شش سال کودکان خدا را یک پادشاه و پدر همه کودکان تصور می‌کنند. او در خانه‌ای بر ابرها یا خانه‌ای

۱. ناصر باهر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۶۳ و ۶۴.

۲. Harms, E.

۳. محمود نوذری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، ص ۷

ساخته شده از ابر یا خانه‌ای ابری به شکل حیوان زندگی می‌کند که در آسمان شناور و نام خدا بالای آن نوشته شده است.^۱ در تحقیق هارمز، ویژگی مشترک کودکان سه تا شش ساله این بود که همگی آنها تصورشان را از خدا در قالب تصویری خیال‌پردازانه بیان می‌کردند.^۲

۳. گلدمن^۳

تصورات کودک از خدا ابتدا خام، مادی‌انگارانه، خودمحورانه، تک‌کانونی و انسان‌انگارانه است و به تدریج به درکی همانند بزرگسال از این مفاهیم می‌رسد. به نظر وی، خداوند نزد کودکان در دوران پیش از هفت تا هشت سالگی؛ شکلی کاملاً انسانی دارد، در آسمان زندگی می‌کند، در اینجا هم هست، مرد است، زندگی انسانی دارد، غذا می‌خورد، گاه

۱. ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۶۶
 ۲. نودری، توصیف و ارزیابی رویکرد شناخت رشد دینی - دو فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۱۳۹ - ۱۶۸.

۳. Goldman, R.

پایین می آید و دیده می شود. بنابراین، تفکر کودک در این دوره خودمحور، تک کانون و سحری است.

۴. فولر^۱

فولر معتقد است در سن پیش از دبستان، ایمان از راه خیال پردازی ها و درک شهودی کودک شکل می گیرد. در همین دوره، پرسش های بی وقفه کودک از "چه چیزی" و "چرا" هر پدیده، سرانجام والدین را گیج و حیران می کند. مشاهده دقیق رفتار والدین و کودک در این مورد، درک ما را از این مسأله تسهیل می کند که منطق نهفته در پشت آن پرسش ها، در نزد کودک با منطق والدین متفاوت است. در این دوره، هنوز نمی توان در اندیشه کودک تغییری پدید آورد و رابطه علی و معلولی به سختی درک می شود. از این رو، پاسخ های والدین معمولاً برای کودک قانع کننده نیست. فقدان ثبات در اندیشه، پیامد مهمی برای ارتباط کودک و

۱. Fowler, J. W.

والدین در پی دارد. والدین نمی‌توانند از راه گفتگو در اندیشه کودک تغییری ایجاد کنند.^۱

۵. چاری و نصیرزاده

در میان پژوهشگران ایرانی در زمینه خدانشناسی کودک، می‌توان به تحقیق چاری و نصیرزاده اشاره کرد. در پژوهش این دو، مصاحبه‌ها و نقاشی‌های ۱۲۲ کودک شش تا یازده ساله تجزیه و تحلیل شده است. کودکان در این سن، بیشتر خدا را با صفاتی به یاد می‌آورند که جنبه عاطفی دارد. از کودکان خواسته شد با تداعی آزاد، صفتهای خداوند را با شنیدن واژه خداوند بیان کنند. یافته تحقیق بیانگر این است که کودکان در رتبه نخست صفات مهربانی، بخشندگی، مُنعم بودن، حاضر بودن، استجابت کنندگی و دوستدار بندگان بودن را یادآوری کردند. کودکان در رتبه بعد به صفتهای خالق بودن، عالم بودن، یگانگی، بزرگی و قادر

۱. همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

مطلق بودن اشاره نمودند. در تبیین این یافته می‌توان استدلال کرد که یادآوری این صفت‌ها، از وجود نوعی علاقه و گرایش فطری بر تمرکز بر این صفت‌ها خبر می‌دهد که تا حدودی با احساس آنها هنگام شنیدن نام خداوند همخوانی دارد.

مراحل رشد کودک و نوجوان از نگاه اسلام

از نظر اسلام درباره رشد، می‌توان گفت: زندگی انسان از یک وضعیت پیوسته و یکدستی برخوردار نیست، بلکه از مراحل متفاوت و مشخصی تشکیل شده است. تفکیک زندگی کودک به چند مرحله از دیدگاه اسلام، این بینش را متمایل به نظریه رشد غیرپیوسته‌ای (مرحله‌ای) نشان می‌دهد. از نظر اسلام، تأثیر هر مرحله در مرحله بعد از آن، از نظر تأمین یا عدم تأمین نیازمندی‌های روحی پذیرفته

شده است.^۱ روایاتی که به تربیت کودکان اختصاص دارد، راه کارهای خود را به صورت مرحله‌ای ارائه کرده‌اند. این نشان می‌دهد معصومان علیهم‌السلام با توجه به مراحل رشد کودک، راهکارهای تربیتی خود را بر اساس ویژگی‌های او طبقه‌بندی فرموده‌اند.

روایات مراحل رشد کودک را به سه مرحله کلی و مهم هفت ساله تقسیم کرده‌اند و بر این اساس، از آغاز زندگی تا ۲۱ سالگی شامل سه دوره حساس است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: "فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمان‌بردار و هفت سال وزیر است. اگر در ۲۱ سالگی از اخلاق او رضایت نداشتی، به پهلویش بزن (رهایش کن) که نزد خدا معذور هستی."^۲

۱. شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۱۹۳.

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «الْوَلَدُ سِتْدٌ سَعِ سِنِينَ وَ عِبْدٌ سَعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَعِ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ خَلَاتِقُهُ لِاحْدَى وَ عَشْرٍ يَنْ سَنَةً وَ إِلَّا ضَرْبَ عَلَى جَنْبِيهِ فَقَدْ أَعْدَرْتِ إِلَى اللَّهِ». (عاملی، ج ۲۱، ص ۴۷۶، ح ۲۷۶۲۷).

در روایتی از حضرت علی علیه السلام سه مرحله به این شکل آمده است: "کودک هفت سال آزاد است، هفت سال تربیت می‌باید و هفت سال به خدمت گرفته می‌شود".^۱ در این بخش، ویژگی‌های مرحله هفت سال نخست کودک را که در روایات با نام سیادت (سروری و آقایی) آمده است، از نگاه اسلام بررسی می‌کنیم.

ویژگی‌های هفت سال نخست کودک در روایات

۱. نیازمند به محبت

محبت، یکی از نیازهای اساسی کودک و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت روحی و روانی وی است. کودک عشق، محبت و علاقه را در کانون خانواده می‌آموزد. در اسلام در مورد محبت و مهربانی کردن به کودکان بسیار سفارش شده است. روش رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانواده‌اش این

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۶، ح ۴۶.

بود که هر روز صبح دست محبت بر سر فرزندان خود می‌کشید و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را می‌بوسید.^۱ آن حضرت فرموده است: "هر که فرزند خود را ببوسد، خداوند عزوجل برای او یک ثواب می‌نویسد و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد و هر که به او قرآن بیاموزد، در روز قیامت پدر و مادرش فراخوانده می‌شوند و به هر دو جامه‌ای می‌پوشانند که به درخشش صورت بهشتیان می‌درخشد."^۲

دربارهٔ ایجاد محیط امن برای کودک، احادیث فراوانی وارد شده است. سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام نیز از توجه فوق‌العاده آنها به فراهم آوردن محیط امن و همراه با احساس آرامش برای کودک خبر می‌دهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان توصیه می‌فرماید: "کودکان را



۱. سید محمد حسین طباطبائی، سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۱۰۴.
 ۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۲۳۲۴، ص ۶۹۹.

دوست بدارید و با آنها مهربان باشید".^۱ همچنین در روایات آمده است: "نگاه محبت‌آمیز پدر به فرزند، عبادت است".^۲ بوسیدن فرزند در سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام فراوان دیده می‌شود. راوی می‌گوید: در خدمت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودم، در حالی که فرزندش ابراهیم بر زانوی چپ و حسین بن علی علیه‌السلام بر زانوی راست ایشان نشسته بود و حضرت گاهی این را می‌بوسید و زمانی آن را.^۳ واکنش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام به برخی رفتارهای کودکان که معمولاً موجب عصبانیت، رفتار تند یا تنبیه بدنی کودک از سوی والدین می‌شود، جالب توجه است. روش عملی آن بزرگواران بر این مطلب دلالت می‌کند که در صورت بروز رفتارهایی مثل گریه کردن و خیس

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳.

۲. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۳. رشیدالدین ابوعبدالله محمد ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالبان، ج ۳، ص ۲۳۴.

کردن لباس، از هرگونه تندی باید پرهیز کرد. در واقع احادیث و سیره معصومان علیهم‌السلام، از یک طرف والدین را به محبت کردن از راه در آغوش گرفتن، بوسیدن، نوازش کردن و مهرورزی فرا می‌خواند و از سوی دیگر، از والدین می‌خواهد از هرگونه واکنش تند به کنش‌های نامطلوب کودک بپرهیزند و به سرعت به درخواست‌های او پاسخ دهند تا زمینه احساس امنیت، آرامش و ایجاد رابطه اعتمادآمیز فراهم شود.^۱ در روایات وارد شده که کودکان خود را به دلیل گریه کردن نزنید که گریستن آنها چهار ماه ذکر لاله الاالله، چهار ماه صلوات بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و چهار ماه دعا برای والدین است.^۲

از بررسی مجموعه روایاتی که درباره دورهٔ طفولیت رسیده، می‌توان نکته‌ای استفاده کرد: دین ما، والدین را به خواندن

۱. محمود نوذری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان شناختی - دینی، ص ۱۲۶.
 ۲. عاملي، وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

اذان و اقامه، سوره حمد، "آیه‌الکرسی"، آیه‌های آخر سوره حشر و سوره‌های اخلاص، ناس و فلق در گوش کودک امر می‌کند. به والدین دستور می‌دهد "لااله الاالله"، نخستین واژه‌ای باشد که به کودک می‌آموزند. بسیاری از پژوهشگران، این روایات را بر آداب حمل می‌کنند، ولی اگر به محتوای آنها، به ویژه تأکید بر سوره حمد یا آیه‌های آخر سوره حشر یا آموزش "لااله الاالله" توجه کنیم، می‌توان از آنها آگهی دادن روایات را به تأثیر این‌گونه اعمال در شناخت خدا یا اینکه این اذکار صرف آداب نیست، استفاده کرد.^۱

۲. تنبیه نکردن او

یکی از مهم‌ترین نکات تربیتی در بزرگداشت شخصیت کودک، جدی گرفتن احساسات او در هفت سال آغاز زندگی است. مقتضای سیادت و آقایی کودک، فرماندهی او و

۱. محمود نوذری، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، ص ۱۲۷.

اطاعت والدین است؛ بدین معنا که کودک در این هفت سال باید در خانواده آقای و فرماندهی کند و هر چه می‌خواهد، در صورتی که برای او زیانبار نباشد و در توان پدر و مادر باشد، تأمین شود. نتیجه‌ی تربیتی فرماندهی کودک در هفت سال آغاز زندگی و فرمانبری صحیح پدر و مادر از او، فرمانبری مطلق همراه با محبت کودک در هفت سال بعدی زندگی خواهد بود. از این رو، در ادامه حدیث آمده است: "وَّعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ". حالت عبودیت و بندگی کودک در برابر پدر و مادر، نتیجه نهایت اعتمادی است که در هفت سال آغاز زندگی به آنها پیدا کرده است.^۱

همچنین می‌فرماید: "محبت به فرزند همچون محبت به والدین است و خداوند بر کسی که به فرزند علاقه بیشتری داشته باشد، رحمت می‌فرستد."^۲

۱. محمد، محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.

۳. دوره بازی

به جهت رشد و عواطف، کودک که مانند نهالی نورسته به بالندگی و مراقبت نیاز دارد، باید احساسات و نیازهای او را درک کرد و آزادی لازم را در اختیارش گذاشت تا به مرحله شکوفایی جسم و جان برسد. البته به این دلیل که در این دوره، هنوز به پختگی عقل نرسیده و شانه‌های ضعیف او نیز برای پذیرش کارهای بدنی و مسئولیت‌های خانوادگی قدرتمند نیست، نباید از او توقع کار و فرمان‌برداری داشت. بازی، بهترین روشی است که می‌تواند به رشد همه‌جانبه کودک یاری رساند.^۱ بازی، بزرگ‌ترین سرگرمی کودکان است. بازی کردن کودکان از سه سالگی پررنگ‌تر می‌شود و می‌توان گفت بازی برای کودکان سه تا هفت ساله به منزله شغل آنهاست.^۲ در هفت ساله نخست، کودک با دنیای پیرامونش آشنا می‌شود. قدرت شناختی او رشد کافی نیافته،

۱. شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۰۹.

۲. یداله جهانگرد، نحوه رفتار والدین با فرزندان، ص ۳۱.

بنابراین باید با آزمون و خطا و از طریق بازی با محیط آشنا شود. بازی، مقدمه‌ای است برای ورود به واقعیت. بازی زمینه مساعدی است برای تجربه‌های گوناگون و تقویت حواس کودک و افزایش شناخت کودک.

محوریت بازی و راهکار بودن آن در تربیت نشان می‌دهد که می‌توان خودمحوری کودک را پذیرفت. پس الزام و امر در این دوره جایگاهی ندارد. براساس دستور اسلام، وظیفه پدر و مادر این است که کودک را رها کنند. رها کردن به معنای آزاد گذاشتن کودک برای کودکی کردن و افزایش تجربه است؛ چنان‌که روایات سرکشی و شیطنت در خردسالی را زمینه موفقیت در بزرگسالی می‌داند. امام موسی کاظم علیه السلام فرموده‌اند: "شایسته است فرزند در کودکی بازی‌گوشی کنند، تا در بزرگسالی بردبار باشد". سپس ادامه دادند: "غیر از این سزاوار نیست".^۱

^۱ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۶۱.

در روایتی آمده است که بازیگوشی کودک در خردسالی، نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است.^۱

در این گستره سنی توصیه‌هایی نیز وجود دارد که به بازی والدین با فرزند توجه می‌دهد؛ چنان‌که در کتاب‌های روایی، عنوان‌هایی چون "استحباب کودکی ورزیدن با فرزند و بازی با او" دیده می‌شود.^۲ رفتار و گفتار معصومان علیهم‌السلام حاکی از اهمیت بازی برای کودک در دوره اولیه کودکی و به ویژه شرکت بزرگسالان در بازی آنهاست.^۳ روایت شده که باهوش‌ترین کودکان بیش از همه با مکتب‌خانه دشمن است.^۴ در تفسیر آیه ۱۲ سوره یوسف^۵ آمده است: با وجودی

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۶۱.

۲. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. سید علی حسینی زاده، تربیت فرزند؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۱۷.

۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۱، ح ۳.

۵. "أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؟" او را فردا با ما (بخارج شهر) بفرست تا غذای کافی بخورد و بازی و تفریح کند و ما حافظ او هستیم. (یوسف: ۱۲)

که حضرت یعقوب علیه السلام نگران رفتار بد برادران با حضرت یوسف علیه السلام بود، ولی در برابر استدلال فرزند و تقاضای دیگر فرزندان برای رفتن به بیابان و بازی کردن وی، مخالفت نکرد و عملاً آن را پذیرفت؛ به هر حال فرزند برای رشد و پرورش خواه‌ناخواه از پدر جدا خواهد شد. بنابراین، به استناد رفتار حضرت یعقوب علیه السلام می‌توان گفت هیچ عقل سالمی نمی‌تواند این نیاز طبیعی کودک را به گردش و تفریح انکار کند.^۱

۴. سخت‌گیری نکردن در عبادات و نماز

در مرحله نخست که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را دوره آقای نامیده است، کودک به مقتضای رشد خویش، ارشاد و الزام را در آموزش نمی‌پذیرد و هیچ‌گونه قید و شرطی را نمی‌شناسد. البته در خلال این هفت سال، می‌توان کودک را با بسیاری از آداب و اطلاعات آشنا کرد؛ اما این بدان معنا نیست که در

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۳۱.

این مرحله می‌توان از او تکلیف خواست.^۱ در مورد سخت‌گیری نکردن در عبادات و نماز، روایات زیر نقل شده است:

امام باقر علیه السلام از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "اسلام آیین استوار الهی است و دین سهل و خالی از دشواری است. با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید و همانند سواری نباشید که مرکب خود را خسته و فرسوده می‌کند و در نتیجه، نه راه سفر را می‌پیماید و نه مرکبش سالم می‌ماند."^۲

به همین دلیل، باید از طولانی کردن نماز کودکان و عبادات و نماز زیاد و طولانی و خسته‌کننده پرهیز کرد. حضرت سجاد علیه السلام به کودکانش دستور می‌داد نماز مغرب و عشاء و نماز ظهر و عصر را با هم بخوانند و در مورد اینکه هر نمازی را در وقت فضیلت و مخصوص خودش بخوانند،

۱. خسرو باقری، دگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. همان.

بر آنان سخت نمی‌گرفت. به آن حضرت عرض شد: "آنها نماز را در غیر وقت فضیلتش می‌خوانند". فرمود: "این کار برای آنان بهتر است از اینکه بخوابند و نماز نخوانند".^۱

در مسأله تربیت برای ادای نماز، در هشت سالگی امر به نماز و در نه سالگی مؤاخذه، توصیه شده است. امام علی علیه السلام فرمودند: "هنگامی که فرزندانمان به هشت سالگی رسیدند، نماز را به آنان بیاموزید و در آن مورد آنها را مؤاخذه کنید".^۲

۵. کودکی کردن والدین (بازی و آموزش)

در اسلام و آموزه‌های تربیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به اهمیت بازی و نقش آن در رشد کودک توجه بسیار شده است. معصومان علیهم السلام در عین حال که خود چنین بوده‌اند و خویش را تا حد مرکب کودکان تنزل می‌داده‌اند و گاه صدای حیوان

۱. عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴ و ۱۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۰، ح ۴۴۰۴.

نیز برای شادی کودکان در می‌آورده‌اند، به ما نیز سفارش کرده‌اند با کودکان این‌گونه باشیم.^۱

جابر بن عبدالله می‌گوید: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم، در حالی که حسن و حسین علیهما السلام را بر پشت خود سوار کرده بود و چهاردست و پا راه می‌رفت و می‌فرمود: "چه شتر خوبی دارید و چه سواران خوبی هستید!"^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید می‌کند: "هرکس را کودکی در کنار است، باید با وی چون کودکان هم‌بازی شود."^۳
چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد^۴

والدین از راه شرکت در بازی کودکان می‌توانند به تربیت آنان همت گمارند و بسیاری از قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای

۱. وسایل الشیعه، ص ۱۲۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵.

۳. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۵،

ص ۱۶۱؛ کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۰.

۴. مولوی، به نقل از دهخدا، امثال و حکم، ص ۶۶۶.

اجتماعی را به ایشان بیاموزند. از این‌رو، رسول خدا ﷺ در بازی‌های کودکانه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام شرکت می‌کرد.

امام صادق علیه السلام در بازی کودکان شرکت می‌کرد و هر گاه با بی‌صدافتی برخی از آنان روبه‌رو می‌شد، بازی را ترک می‌کرد و با خواهش بقیه به بازی بر می‌گشت؛ یعنی امام در واقع از این طریق، پایبندی و عمل به قوانین و مقررات یا راستی و صداقت را به آنها می‌آموخت.^۱

همچنین امام صادق علیه السلام در کودکی با کودکان می‌نشست و استاد می‌شد و آنها شاگرد او می‌شدند. امام نام میوه‌ای را می‌پرسید که به طور مثال بر درخت یا زمین می‌روید، رنگ آن قرمز و طعم آن شیرین یا ترش است و در فلان فصل به ثمر می‌رسد. هر کس نام آن میوه را می‌گفت، او استاد می‌شد و امام جزء شاگردان قرار می‌گرفت. گاهی امام به

۱. سید علی حسینی زاده، تربیت فرزند؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۲۳.

علت صداقت نداشتن هم‌بازی‌های خود، بازی را ترک می‌کرد و با خواهش بقیه دوستان به بازی برمی‌گشت. در بازی دیگری، امام استاد می‌شد و واژه‌ای را می‌گفت مثل "الشراعیه" و شاگردان باید تکرار می‌کردند و سپس امام واژه دیگر می‌گفت که هم‌وزن آن کلمه بود، ولی شاگردان دوباره باید همان واژه نخست را تکرار می‌کردند. هر کس اشتباه می‌کرد، از بازی خارج می‌شد. بدین شیوه، امام علیه السلام زبان، دقت و تمرکز کودکان را تقویت می‌کرد.^۱

در روایتی نیز نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام در بازی با امام حسن علیه السلام این اشعار را می‌خواند: "حسن جان! شبیه پدرت باش، قید و بند را از حق بردار و خدای صاحب نعمت را بندگی کن و با کینه‌توز دوستی مکن."^۲

در جریان تحول، بازی، شاخصه اصلی این مرحله و بستر برنامه تربیتی است. از سوی دیگر، آزادی و عدم الزام رکن

۱. مرتضی منطقی، روان‌شناسی تربیتی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۹ و ۵۶۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

بازی است؛ حال پرسش این است که با ویژگی‌هایی که در مفهوم بازی هویداست، آیا آموزش در دوران بازی امکان‌پذیر است؟ پاسخ این است که بازی با آموزش تعارض ندارد؛ با الزام، اکراه و تکلیف ناسازگار است. شارع مقدس آموزش دینی را در این سنین وانهاده است. شاهد آن، روایاتی است که سه سالگی را آغاز تعلیمات دینی می‌داند:

هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، به او هفت بار بگویید "لا إله إلا الله" و رهایش کنید تا به سه سال و هفت ماه و بیست روزگی برسد. در این زمان به او هفت بار بگویید "محمد رسول الله" و رهایش کنید تا به چهار سالگی برسد، آن‌گاه به او هفت بار بگویید "اللهم صل علی محمد و آل محمد". سپس رهایش کنید تا به پنج سالگی برسد، سپس به او بگویید دست راست و چپ تو کدام است؟ اگر شناخت، رویش را به طرف قبله کنید و به او بگویید "سجده کن". سپس رهایش کنید تا به شش سالگی برسد و چون شش سالش تمام شد، به او بگویید نماز بخوان و رکوع و سجود را

به وی بیاموزید تا هفت سالش تمام شود. وقتی هفت سالش تمام شد، به او بگویید صورت و دست‌هایت را بشوی؛ هنگامی که آنها را شست، به او بگویید نماز بخوان تا نه سالگی تمام شود، آن‌گاه که این سن را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او بیاموزید و در صورت امتناع، تنبیهش کنید و نماز را به وی بیاموزید و برای انجامش بر او سخت بگیرید.^۱

در این روایت شریف، آغاز آموزش سه سالگی تعیین و مراحل بعدی آموزش نیز به صورت دقیق بیان شده است. به اعتقاد بستانی^۲ این روایت با برشمردن شش مرحله تربیتی، سیر رشد عقلی کودک را نشان می‌دهد و در هر مرحله، ویژگی‌ها و توانایی‌های ادراکی کودک را تبیین می‌کند. پس شریعت مقدس اسلام آموزش را در هفت سال

۱. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۸۶۳.

۲. رک. محمود بستانی، اسلام و روان‌شناسی، ص ۷۲ - ۷۷.

نخست زندگی مجاز، بلکه اثربخش و برای تربیت دینی لازم می‌داند. اما نکته مهم این است که در این دوره، تنها آموزش‌هایی مجاز است که با بازی همراه باشد؛ آموزش بدون تکلیف. از این رو، در روایات توصیه‌هایی وجود دارد که به بازی والدین با فرزندان توجه قرار می‌کند.^۱

در روایات حتی به نخستین واژه آموزشی در ابتدای کودکی اشاره شده است: رسول خدا ﷺ فرمود: "وقتی فرزندان زبانی به سخن گشودند، به آنها "لا إله إلا الله" را یاد دهید."^۲

در نهایت، همین که کودک به هفت سالگی رسید که پیامبر اسلام ﷺ آن را "دوره بندگی" نامیده است، به آستانه مرحله دوم کودکی پناهاده و برای یادگیری آماده است؛ یعنی از مرحله بازی گذشته و به مرحله "تأدیب"،

۱. ر.ک. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۹؛ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۶.
 ۲. علی بن الحسام الدین المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ص ۴۴۰.

"الزام" و "یادگیری" رسیده است. الزام و بازخواست، تمییز و تشخیص، اطاعت و تسلیم و تفکیک جنسیتی، از ویژگی‌های دوران کودکی هفت تا چهارده سال است. در جدول (۱-۲) سنین آموزش مفاهیم دینی را از نگاه اسلام بیان کرده‌ایم:

جدول ۱-۲: سنین آموزش مفاهیم دینی

نام مرحله	گستره سنی	فعالیت‌های آموزشی
زمینه‌سازی	سه تا پنج سالگی	تلقین واژه "لا اله الا الله" در سه سالگی تلقین واژه "محمد رسول الله" در سه سال و هفت ماه و بیست روزگی تلقین "صلی الله علی محمد و آله" در چهار سالگی
ابتدایی	پنج یا شش تا شش یا هفت سالگی	آشنا کردن کودک با قبله آشنا کردن کودک با سجده (در این مرحله بازخواستی در کار نیست؛ چنان که الزامی نیز وجود ندارد). کودک در این سن باید با اصل و لُبّ عبادت که همان سجده در برابر آفریننده جهان است، آشنا شود.

نام مرحله	گستره سنی	فعالیت‌های آموزشی
متوسطه	شش یا هفت تا نه یا ده سالگی	آموزش رکوع و سجود در شش سالگی (صورت نماز بدون نیاز به وضو و نیت و صحت قرائت) آموزش شستن دست و صورت پیش از نماز و انجام رکوع و سجود و تمرین آن به کودک از سن هفت تا نه سالگی مراقبت و نظارت به منظور تمرین اعمال یاد شده و در صورت لزوم، بازخواست لفظی دختر شش ساله را مرد، و پسر هفت ساله را زن نبوسد. ^۱
نهایی	نه یا ده سالگی تا سن بلوغ	آموزش کامل وضو و نماز مراقبت و نظارت به منظور ادای فریضه نماز، و در صورت لزوم، تنبیه بدنی و بازخواست کردن آموزش روزه گرفتن (متناسب با توانایی جسمانی کودک) جدا کردن رختخواب پسر و دختر در ده سالگی ^۲



۱. رضی الدین حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۲۲۳.

پرسش‌های فصل

کودکی به چند قسمت تقسیم می‌شود؟
غنی شدن خزانه واژگان کودک و رعایت دستور زبان، کدام ویژگی کودک دوم است؟
خودمیان‌بین بودن و تک‌کانونی بودن (تمرکزگرایی) از اصطلاحات کدام روان‌شناس است؟ این دو واژه را توضیح دهید.
بنا بر نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز زندگی تا ۲۱ سالگی به چند دوره تقسیم می‌شود و نامشان چیست؟
ویژگی‌های هفت سال نخست کودک را در روایات نام ببرید.
آیا آموزش در دوران بازی امکان‌پذیر است؟
در روایات، نخستین واژه آموزشی در ابتدای کودکی چیست؟

سؤال برای تفکر بیشتر

کودک در طی سن سه تا هفت سال در زمینه رشد و تحول بدنی، عاطفی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، زبان و هوش چه توانایی‌هایی کسب می‌کند؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. باهنر، ناصر، (۱۳۸۸)، "تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان"، دو فصل نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۲۰۳ - ۲۳۵.
۲. برک، ای لورا، (۱۳۸۱)، روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، چاپ اول، ج ۱، تهران: نشر ارسباران.
۳. بی ریا، ناصر و دیگران، (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد، چاپ دوم، ج ۲، تهران: سمت.
۴. پارسا، محمد، (۱۳۷۳)، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، چاپ هفتم، تهران: بعثت.
۵. دبس، موریس، (۱۳۷۴)، مراحل تربیت، ترجمه: علیمحمد کاردان، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. شرفی، محمدرضا، (۱۳۶۸)، مراحل رشد و تحول انسان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۷. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۲)، روان‌شناسی رشد، چاپ دهم، تهران: انتشارات اطلاعات.

۸. عظیمی، سیروس، (۱۳۶۹)، *روان‌شناسی کودک*، چاپ اول، تهران: انتشارات معرفت.
۹. قائمی امیری، علی، (۱۳۷۰)، *خانواده و تربیت کودک*، تهران: انتشارات امیری.
۱۰. کریستوفر، ویلیام کرین، (۱۳۸۴)، *نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها*، ترجمه: غلام‌رضا خوی‌نژاد و علی‌رضا رجائی، چاپ اول، تهران: رشد.
۱۱. منصور، محمود، (۱۳۷۸)، *روانشناسی ژنتیک*، تهران، سمت.
۱۲. منطقی، مرتضی، (۱۳۷۲)، *روان‌شناسی تربیتی*، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
۱۳. موسوی‌نسب، محمدرضا، علی‌عسکری و عباسعالی شاملی، (۱۳۹۰)، "مراحل تحول محتوا و انگیزه‌های دعا در کودکان و نوجوانان"، *فصل‌نامه روانشناسی و دین*، سال چهارم، ش ۲.
۱۴. نودری، محمود، (۱۳۸۸)، "توصیف و ارزیابی رویکرد شناختی رشد دینی"، *دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲، ص ۱۳۹ - ۱۶۸.
۱۵. وندر زندن، جیمز، (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی رشد*، ترجمه: حمزه گنجی، چاپ سوم، تهران: ساوالان.

فصل سوم

اصول و روش های آموزش

مفاهیم دینی به کودکان

- اصول و قوانین آموزش مفاهیم دینی به کودک
- شیوه های آموزش مفاهیم دینی به کودک

هدف‌های آموزشی فصل

- انتظار می‌رود مربی بتواند در پایان فصل مطالب زیر را تبیین کند:
- اصول و قوانین آموزش مفاهیم دینی به کودک
- شیوه‌های آموزش مفاهیم دینی به کودک

مقدمه

آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والاست، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش‌های آموزشی متناسب با آن است.^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: "هیچ حرکتی نیست مگر اینکه انسان در به انجام رساندن آن به شناخت و آگاهی نیاز دارد!"^۲

در این بخش، به اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی می‌پردازیم. تا مربی با بهره‌گیری از آن، بر موفقیت خود در

۱. علی مقدسی پور، ماهنامه معرفت، ش ۷۵، ص ۳۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۷.

امر آموزش مفاهیم دینی بیفزاید.

اصول و قوانین آموزش مفاهیم دینی به کودک

مقصود از اصول، قواعد و راهکار کلی (بایدها و نبایدها)، مبتنی بر آموزه‌های دینی است که در قرآن کریم و سیره معصومان علیهم‌السلام پیرامون آموزش مفاهیم دینی به کودکان بیان شده است.

توجه به این اصول و قوانین، مریبان را در رسیدن به نتیجه مطلوب یاری خواهد کرد. بنابراین، لازم است به اصول تربیتی زیر توجه کنند:

۱. ارتباط و جلب توجه مخاطب

اگر مخاطب دل در گرو امر دیگری داشته باشد، مربی راه به جایی نمی‌برد. مربی مهدکودک باید در آغاز آموزش مفاهیم دینی، با شیوه‌های خاص و به ویژه به صورت غیرمستقیم، بین خود و کودک رابطه برقرار، و توجه او را به خود و در واقع به آنچه می‌گوید، جلب کند. برخی از شیوه‌های

جلب مخاطب که معصومان علیهم‌السلام استفاده می‌کردند، بدین قرار است:

- طرح سؤال؛
- برانگیختن پرسش در ذهن مخاطب؛
- تأکید بر اهمیت مطلب؛
- بهره‌گیری از تکیه کلام‌های گوناگون یا کلمه‌های خطاب در لابه‌لای سخن.^۱

۲. ایجاد انگیزه

گرامن^۲ انگیزه را عاملی می‌داند که ما را برمی‌انگیزاند، به حرکت وامی‌دارد و به سوی رفتار معین می‌کشانند.^۳ شیوه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای ایجاد انگیزه یادگیری، این بود که ابتدا شخص را به نیازش آگاه می‌ساخت، سپس خود

۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۳۴ - ۳۶.

۲. Grauman, C. F.

۳. محمد کریم خداپناهی، انگیزش و هیجان، ص ۱۱.

او از حضرت می‌خواست تا آن را به وی آموزش دهد.^۱ در واقع آگاهی‌بخشی، هدایت و راهنمایی مربی، مسیر آموزش مفاهیم دینی را برای کودک هموار می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "یادگیری‌ای که بر اساس تفکر و فعالیت فکری دانش‌آموز باشد، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است."^۲

۳. تکیه بر تمایلات فطری کودک

زیربنای بسیاری از رفتارهای آدمی در عناصری است که انسان سایه‌های آن را با خود به دنیا می‌آورد. براساس اعتقاد اسلامی، کودک باور به دین و مسائل اساسی آن، همچون اعتقاد به خداوند را با خود به دنیا می‌آورد.^۳

۱. شکراللهی، اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی و منای قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام، ص ۹۳.
 ۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۸۲۷۳، ج ۶، ص ۲۰۶.
 ۳. روم: ۳۰.

علاقه‌مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی می‌رسد. آموزش‌های ما در اصل عهده‌دار حفظ، پاسداری و تقویت این تمایلات است و درصدد پرورش آنها هستیم. کودک نیازمند آن نیست که خدا را به او بقبولانیم، بلکه باید این باور فطری به خدا را در او حفظ کنیم و شکوفا سازیم.^۱

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با شرکت دادن کودکان در جلسه دعا، فطرت خداجوی آنان را بیدار و تقویت می‌کردند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: "پدرم هرگاه غمگین می‌شد، زنان و کودکان را گرد می‌آورد و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند!"^۲

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۴. شرح ماهیت ایمان برای کودکان

ایمان، یکی از مفاهیم پایه برای آموزش خداوند به کودکان است. والدین با تشریح این مفهوم، خواهند توانست دیگر مفاهیم و نیز فضای ایمانی خود را تا حدی به کودکان و دنیای شناختی آنان نزدیک سازند و آنها را در جریان این فضا قرار دهند. برای توضیح ماهیت ایمان، باید سطح بلوغ فکری کودکان و نیازهای خاصی را که دارند، در نظر گرفت. باید به کودکان یادآوری کنیم چه چیزهای دیگری در زندگی ما وجود دارد که آنها را به طور ایمانی پذیرفته‌ایم. به ویژه مواردی را ذکر کنیم که او شخصاً تجربه کرده است. مثلاً "تو ایمان داری که دارو سبب درمان بیماری می‌شود، هر چند از سازوکار درمانی آن آگاهی نداری".

یا می‌توان به کودک گفت: "خیلی از چیزها دیدنی نیست؛ مثل بوی خوش گل، اکسیژن، امواج تلویزیون، عقل و هوش و ... اما وجود دارد. خدا هم از آفریده‌ها و آثارش شناخته می‌شود. چشم ما فقط جسم‌ها را می‌بیند. خدا جسم نیست

تا چشم ما او را ببیند: "چشم‌ها نمی‌توانند او را ببینند."^۱ تو می‌توانی خدا را در عمق دلت احساس کنی."^۲

۵. تدریج

براساس نظر متخصصان علوم تربیتی، باید به تدریج از مسائل و تکالیف آسان و محسوس آغاز کرد و به سوی معقولات حرکت نمود. این حرکت، چه در سازماندهی محتوا و چه در روش تدریس باید از کلی به جزئی، عینی به ذهنی و از ساده به سوی پیچیده باشد.^۳ این اصل به دلیل تفاوت در رشد استعداد‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات است.^۴

۱. انعام: ۱۰۳.

۲. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

۳. شکراللهی، اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی و

مبنای قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۸۶.

۴. علی، مقدسی پور، ماهنامه معرفت، ش ۷۵، ص ۳۹.

مربیان نباید انتظار داشته باشند کودکان در مدت کوتاهی، تمام مسائل توحیدی و صفات خداوند متعال را بشناسند و به دنبال آن همه دستورات الهی را اجرا کنند. چنین توقعی، بسیار خطرناک و آسیب‌زاست. لازم است مربیان به تدریج و از همان روزهای نخست، زمینه را در کودک به وجود آورند و اطلاعاتی به فراخور درک و نیاز کودک درباره خدا و برنامه زندگی او، یعنی دین ارائه کنند. رعایت این اصل، در آموزه‌های دینی ما به خوبی دیده می‌شود.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: "وقتی بچه سه ساله شد، "لااله الا الله" را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن‌گاه "محمد رسول الله" را یادش بدهید. سپس تا چهار سالگی رهاش کنید و



۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۶ و ۳۷.

در چهار سالگی صلوات بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یادش بدهید
 "...".^۱

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره سفارشی طلایی دارند: "خدا
 رحمت کند کسی را که فرزندش را در اعمال نیکش یاری
 دهد." سؤال شد: چگونه؟ فرمود: "آنچه در توان اوست،
 بپذیرد و از سخت‌گیری‌ها درگذرد."^۲

درخت تربیت به تدریج رشد می‌کند و در درازمدت پربرگ
 و بار می‌شود. درست مثل برگ توت که تا به ابریشم تبدیل
 شود، زمانی طولانی می‌طلبد، ولی چون به آن مرحله رسید،
 گوهر وجودش کمال می‌یابد و ارزشمند می‌گردد و مطلوب
 خاص و عام می‌شود. تربیت کودک کاری این چنین است و
 بردباری، دقت، هشیاری و نظارت پیوسته می‌طلبد؛ اما ثمر
 آن، چنان شیرین و مسرورکننده است که مریبان و والدین را

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۵۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۰.

از همه تلاش‌هایی که در این راه کرده‌اند و می‌کنند، راضی و خشنود می‌سازد.^۱

۶. تسهیل

در دوره کودکی اساس کار آموزش و تربیت دینی کودک بر تقویت پیوند عاطفی او با دین و مفاهیم دینی استوار است. از این رو، باید از سخت‌گیری نابجا پرهیز کرد. انجام وظایف دین نیز مانند انجام فعالیت‌های ورزشی است؛ کسی که سابقه طولانی در فوتبال، وزنه‌برداری یا دو میدانی دارد، می‌تواند مدت زمان طولانی فوتبال بازی کند؛ مسیر طولانی‌تری را بدود یا وزنه سنگین‌تری بردارد؛ در حالی که فرد تازه‌کار از عهده آن کارها بر نمی‌آید و باید به تدریج آن توانایی را در خود پدید آورد.^۲

۱. طبری، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
 ۲. محمد داوودی، تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۲۵۴.

این اصل، جذب کودکان به مربی و شخصیت، منش، آرا و باورهای او را به همراه دارد و کودکان، آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به بهترین وجه، درک و جذب می‌کنند و به مدارج بالای ایمان و کمال می‌رسند؛ بدون اینکه از اعمال دینی خسته یا دلزده گردند.^۱ همچنین موجب تشویق و ترغیب کودک نیز می‌شود.^۲ در عین حال، در روایتی دقت به روش‌های صحیح آموزش دین مورد توجه قرار گرفته و اصل مدارا و تسهیل در آموزش مسائل دینی توصیه شده است. امام باقر علیه السلام از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: "اسلام آیین استوار الهی است و دینی آسان و خالی از دشواری است. با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت او را بر بندگان خدا تحمیل نکنید و همانند سواری نباشید که مرکب خود را

۱. همان، ص ۲۵۹.

۲. شکراللهی، اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی و مبنای قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۹.

خسته و فرسوده می‌کند و در نتیجه، نه مسیر سفر را می‌پیماید و نه مرکبش سالم می‌ماند.^۱

می‌توان گفت به منظور حفظ "رشد روانی کودک" و "نوجوان"، مسئولیت‌ها و وظایف محوّل به آنها باید سنجیده باشد و از آنها پذیرفته گردد و گاه روحیه "اغماض" و "تغافل" در برخورد با اشتباه‌ها و خطاهای آنان مراعات گردد.^۲

حدیث زیر از امام سجاد علیه السلام گویای این مطلب است: "در رفتار با کودکان باید کوشید از اشتباه‌ها و خطاهای آنان در گذشت و پرده‌پوشی نمود و با آنان با نرمی و مدارا رفتار کرد و شخصیت آنان را نباید کوبید و از این گذشته، باید به آنها یاری رساند."^۳

۱. نرم افزار جامع احادیث نور، ۱۳۸۳.

۲. شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۱۰.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

همچنین باید استفاده از روش‌های صحیح در تمام طول دوره آموزش مفاهیم دینی و آداب و رسوم اجتماعی در نظر گرفته شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: "آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند."^۱

۷. معرفی خدا به تناسب درک کودک

مربیان باید توجه کنند که کودک چه برداشتی از خداوند دارد، چه کلماتی را درک می‌کند و دلیل پرسش او از آموزه‌های مذهبی چیست؟

برداشت کودکان از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست. از این رو، نباید ذهن کودک را با استدلال‌هایی که فراتر از درک ذهنی اوست، آشفته ساخت.^۲

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۰.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۸۱ - ۸۴.

در این زمینه دانستن چند نکته ضروری است:

۱. باور داشته باشیم که کودکان خلاقیت فوق‌العاده‌ای برای یادگیری دارند.
۲. کودکان در چهار تا پنج سالگی از راه نمادسازی و الگوسازی به تفکر می‌پردازند. چیزهای خوب را به صورت فرشته یا موجودات دوست داشتنی ترسیم می‌کنند. به کارگیری تجسم موجودات خارجی که نشان‌دهنده احساسات خوب و بد درونی انسان است، این مفاهیم را برای آنها قابل درک می‌کند.

۳. تقلید، نخستین گام در یادگیری کودکان است. آنها در مراحل اولیه زندگی خود چیزهای خیره‌کننده‌ای را می‌آموزند. چشم و گوش بچه‌ها مشتاقانه به دنبال جذب تمام چیزهایی است که در اطراف آنها می‌گذرد. تمامی این رفتارها از راه تقلید آموخته می‌شود. آنها ایمان را نیز با همین روش می‌آموزند. کودک خردسال، با دیدن والدینش می‌آموزد چگونه دعا کند، چگونه به قرآن و اماکن مذهبی احترام

بگذارد، چگونه امیدوار باشد و چگونه به آنچه حقیقت دارد یا زیبا و خوب است، عشق بورزد.^۱

۴. برخی کودکان تصور می‌کنند دین، قوانین متعددی دارد و درباره بایدها و نبایدها سخن می‌گوید تا جایی که هیچ گونه آزادی و اختیاری برای تصمیم‌گیری انسان باقی نمی‌ماند. از این رو، به مذهبی بودن تمایل ندارند؛ در حالی که دستورات خدا بسیار ساده است. بر این اساس، قوانین مذهبی را باید به طور محدود به کودکان آموزش داد و از قوانین ساده‌تر آغاز کرد.^۲

۸. بهره‌گیری از فرصت‌ها و موقعیت‌های گوناگون

لازم است برای انتقال موفق‌تر مفاهیم دینی، از فرصت‌ها و موقعیت‌های گوناگون و روش‌های متنوعی بهره برد. در برخی شرایط، کودکان آمادگی بیشتری برای درک حضور

۱.۱ ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۴ و ۳۵.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۱۶۶ - ۱۷۰.

خداوند، ارتباط با او و پذیرش دیگر مفاهیم دینی از خود نشان می‌دهند. در چنین شرایطی، مربیان هوشمند بیشترین بهره را می‌برند و اطلاعات مورد نیاز آنها را افزایش می‌دهند؛ انس با خداوند را در کودکان پدید می‌آورند و مسیر خدایی شدن آنها را هموارتر می‌سازند.^۱

بیشتر آموزش‌های معصومان علیهم‌السلام در فرصت‌های غیر رسمی و در برخورد و ملاقات با اصحاب انجام می‌گرفت.^۲ موارد زیر را می‌توان از فرصت‌های مناسب آموزش مفاهیم دینی برمی‌شمرد:

شب‌های قدر، مراسم دعا و نیایش، طرح آرزوها و خواسته‌ها با خداوند، آغاز سال تحصیلی، جشن تولدها، زمانی که کودک هدیه‌ای دریافت می‌کند، زمان حضور در مکان‌هایی چون مساجد، هنگام سفرهای زیارتی، سکونت در

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۵.

۲. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۵۹.

منزلی نو، هنگام خرید وسیله نقلیه جدید و دیگر مواردی که به نوعی پیام بر خورداری از نعمت خداوند در آن موج می‌زند و کودک خود را آماده شکرگزاری از خداوند و حمایت‌جویی از ذات مقدس او می‌کند.^۱

همچنین باید اوقات منظم و زنده را برگزیند و به کیفیت وقت نیز بیش از کمیت آن اهمیت داد. آموزش طولانی و مکرر، سبب خستگی و کاهش علاقه و انگیزه کودکان می‌شود.

مطالعه سیره معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد آنان در هر فرصتی می‌کوشیدند شاگردان خود را با خدا مرتبط سازند و این ارتباط را تقویت کنند. ایشان در موارد متعددی کودکان و بزرگسالان را به دعا کردن توصیه و امر کرده‌اند.^۲

کودکی که برآورده شدن حاجتی را از خداوند می‌خواهد و خدا نیز دعای او را مستجاب می‌کند، در عمل و با تمام

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۶.

۲. داوودی، تربیت دینی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۴۵.

وجود رحمت، مهر و فضل خدا را می‌بیند. بدین ترتیب، روز به روز و شناخت او از صفات الهی و نیز ایمان و اعتقاد او به خداوند بیشتر و استوارتر می‌شود.^۱

۹. پیوند مفاهیم دینی با مسائل روزمره کودک

مربیان پیش‌دبستانی باید اصول اعتقادی را با تجربه روزمره کودکان مرتبط کنند و این تجربه را ورودی بحث از اصول اعتقادی قرار دهند. این ارتباط، در دو سطح عقلانی و احساسی صورت می‌گیرد. در سطح عقلانی، از استدلال، حافظه و خلاقیت، و در سطح احساسی، از عواطف، امید و آرزوها استفاده می‌شود. احساسات و عواطف کودکان را باید با استدلال منطقی او آمیخت. برای نمونه، از کودک بپرسیم وقتی می‌فهمد خدا کیست، چه انتظاری از او دارد و در مورد خدا چه احساسی به او دست می‌دهد؟^۲

۱. محمد داوودی، و سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۰۹.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۸۳.

چنانچه اطلاعات دینی به ویژه مسائل مربوط به خداشناسی با مسائل روزمره کودک پیوند زده شود، تأثیر شگرفی در ارتباط کودکان با این مفاهیم روی می‌دهد. وقتی شما به کودک خود می‌گویید غذایی که در اختیارش قرار گرفته، هدیه‌ای از سوی خداست، بهتر توانسته‌اید او را با پروردگارش آشنا سازید. در قرآن کریم وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به معرفی خداوند می‌پردازد، او را با نیازهای مخاطبان پیوند می‌زند و می‌فرماید: "آن کس که مرا آفریده و هم او راهنمایی‌ام می‌کند، و آن کس که به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند، و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد، و آن کس که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام می‌گرداند، و آن کس که امید دارم روز پاداش، گناهم را بر من ببخشاید!"^۱

این‌گونه معرفی، سبب درک بهتر کودک می‌شود و دشواری مفهوم را کم می‌کند. در این صورت، کودک با خدا زندگی می‌کند، همیشه او را در کنار خود می‌بیند و با او سخن می‌گوید. از این رو، کودک با خدایی آشنا می‌شود که انسان و موجودات جهان را آفریده و حامی بی‌پناهان است.^۱ شناساندن خدای توانا به کودک، به وی شجاعت و احساس امنیت می‌دهد. او با اعتقاد به وجود چنین حامی نیرومندی، همیشه خدا را حاضر و نزدیک خود خواهد دید و خداوند نیز او را در زندگی‌اش به سوی کامیابی رهنمون خواهد بود.^۲

۱۰. تمرین و تکرار

تمرین و تکرار^۳، ضرورت تثبیت عمل در روح و روان

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۳۷.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۴۲.

۳. Practice and drill

کودک را به دنبال دارد و زمینه انس و عادت^۱ را در او به وجود می‌آورد؛ چنان که در روایت آمده: "نفوس خود را بر اخلاق نیکو تمرین دهید"^۲.

ذکر و یاد خدا، به ویژه اگر تکرار شود، موجب تثبیت و ژرفایی هر چه بیشتر رابطه انسان با خداوند متعال می‌شود و محبت الهی را در دل انسان تقویت می‌کند.^۳

۱۱. توجه به تفاوت‌های فردی

علامه محمد تقی جعفری، معلم و دانش‌آموزان را به باغبان و گل‌ها و درختان باغی تشبیه می‌کند که هر یک از درختان و گل‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای متفاوتی به آب، هوا، نور و کود دارند. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آنها را آبیاری کند و در معرض نور و هوا قرار دهد. در حالی که اگر بخواهد به

۱. Habit

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۱، ح ۸۲۷۳.

۳. همان، ص ۱۱۰.

همه آنها مقدار مساوی از نور، آب، هوا و کود برساند، بدون شک برخی از آنان از بین خواهند رفت.^۱ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: "ما انبیا بر اساس توان عقلی مردم با آنان سخن می‌گوییم."^۲

از آثار آموزشی این اصل، استفاده بهینه کودک از تلاش‌های مربی، آسان شدن کار مربی، و نیز افزایش انگیزه و علاقه کودک به یادگیری مفاهیم دینی است که فهم و یادگیری عمیق و دقیق‌تر را در پی دارد.^۳

۱۲. رعایت عدالت

مربیان پیش‌دبستانی نباید در میان کودکان تبعیض قائل شوند. از این رو، در نگاه، تشویق یا تنبیه کردن نباید طوری

۱. علی مقدسی پور، اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، ص ۶۷.

۲. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۸.

۳. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ص ۵۲.

عمل کنند که کودک احساس تبعیض قائل شدن کند. البته طبیعی است که مربی در درون خود به افراد خاصی علاقه بیشتری داشته باشد، ولی نباید بروز آن سبب مشکلاتی در کلاس شود.

۱۳. تکریم کودک و پرهیز از عیب‌جویی، سرزنش و تنبیه بدنی
 احترام به شخصیت کودک، هم‌بازی شدن با او، سلام کردن، وفای به عهد و بردباری، از مصداق‌های بزرگداشت کودک شمرده می‌شود. در عیب‌جویی و سرزنش، افزون بر اینکه کودک اطمینان و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد، بی‌اراده، وابسته، ناتوان و بی‌شخصیت بار خواهد آمد. رسول خدا ﷺ از کارهای کودکان عیب نمی‌گرفت، بلکه کار درست را به آنها می‌آموخت.^۱ امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: "افراط در سرزنش، آتش لجاجت را

برمی‌افروزد".^۱

در آموزش مفاهیم دینی، نرمی و ملاحظت باید جای سخت‌گیری و خشونت را بگیرد. باید مربی کاری کند که کودک با میل، رغبت و شوق، پذیرای آموزش و آنچه مربی می‌خواهد، باشد؛ نه اینکه از وی رمیده و فراری شود. قرآن کریم به این حقیقت تربیتی تصریح دارد: "به [برکت] رحمت الهی با آنها نرم‌خو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، به یقین از پیرامونت پراکنده می‌شدند".^۲

۱۴. محیط مناسب و آرام

باید برای آموختن مفاهیم مذهبی از سوی کودکان، محیط مناسبی فراهم آورد. انتخاب مهدکودک یا مرکز پیش‌دبستانی مناسب، پشتیبان و مکمل آموزش‌های والدین در منزل است. محیط مهدکودک باید با باورها و روش‌های

۱. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۰.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

تربیتی والدین در منزل هماهنگ باشد؛ در غیر این صورت، تعارض میان آموزش‌های مهدکودک و منزل، موجب ایجاد مشکلاتی در برخی از کودکان خواهد شد. از سوی دیگر، برخی کودکان از این تعارض به عنوان شرایطی برای اندیشیدن و شکوفایی استعدادها و استقلال خود بهره می‌گیرند. هر مهدکودکی که برنامه‌ای روشن و مشخص برای پرورش کودکان داشته باشد، ارزشمند است. بنابراین، در انتخاب مهدکودک باید به نیازها و رشد شخصیت کودک در درجه اول اهمیت داد.^۱

۱۵. توجه به تفکر خلاق کودک

از ارکان اساسی در یادگیری مفاهیم دینی، تفکر خلاق است. تفکر خلاق به شیوه‌های گوناگون فعال می‌شود. برای نمونه، برخی با کلمات و سخنان خلاق می‌شوند. برای این گروه از کودکان، قصه‌گویی و خواندن نوشته‌های مذهبی

سودمند است. گروهی دیگر، از راه صدا، مناظر طبیعی، لمس، بو و تحرک، خلاق می‌گردند. شنیدن آواز پرندگان، دیدن آثار هنری و زیبایی‌های طبیعت، گوش فرا دادن به سرودهای مذهبی، سکوت مکان‌های مقدس، بوییدن گل‌ها، دقت در شعله شمع‌ها، حس کردن خنکی مرمهرهای کف عبادتگاه‌ها، دست زدن به آبی که مایه روشنی است و چشیدن خوراکی‌های متبرک، همه می‌تواند قوه تخیل و تفکر خلاق را در بچه‌ها به حرکت وا دارد و آن را فعال سازد.^۱

۱۶. عینیت

انسان‌ها بیشتر آموزه‌های خود را از راه حواس ظاهر می‌گیرند و همواره با حواس ظاهر سر و کار دارند. از این رو، آموزش از راه حواس، ساده‌تر و زودتر آموخته می‌شود. تلاش معصومان علیهم‌السلام همواره بر این بود که محتوای آموزش خود را

۱. همان، ص ۱۱۲.

در قالب محسوسات برای شاگردان خود بیان کنند. بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه نیز در راستای تحقق این اصل آموزشی است.^۱ همراه کردن آموزش با مسائلی که به راحتی فراموش نمی‌شود یا انسان با آنها زیاد سر و کار دارد، به گونه‌ای که هر گاه به آن مسأله برخورد کرد، بی‌درنگ محتوای آموزشی را به یاد آورد نیز نوعی عینیت‌بخشی به آموزه‌هاست.^۲

۱۷. کاربرد آموزه‌ها در عمل

عمل به آموزه‌ها نقش مؤثری در یادگیری و به خاطر سپاری آنها در ذهن کودک دارد.^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "علم با عمل همراه است. کسی که بداند، عمل می‌کند و کسی که عمل کند، خواهد دانست. علم، عمل را

-
۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۹.
 ۲. همان، ص ۷۰.
 ۳. همان، ص ۶۵.

ندا می‌کند؛ اگر پاسخ داد، می‌ماند و گرنه، رخت بر می‌بندد"^۱.

۱۸. ارزشیابی و توجه به تجربیات و آموخته‌های پیشین

هدف از این اصل، شناخت میزان آمادگی و توانایی‌های کودک در آموزش مفاهیم دینی است. که در برنامه‌ریزی‌های آینده به مربی کمک می‌کند. از سوی دیگر، کودک نیز به عیب و ضعف‌های خود پی می‌برد و امکان مرور آموخته‌های گذشته‌اش فراهم می‌شود. معصومان علیهم‌السلام گرچه شاگردان را به صورت رسمی و پیوسته ارزشیابی نمی‌کردند، گاه شاگردان خود را ارزیابی علمی می‌نمودند.^۲

مربی پیش‌دبستانی باید در آموزش مفاهیم دینی، آموخته‌های پیشین کودک را نیز لحاظ و آموزش‌های تکمیلی را در راستای تجربه‌ها و اندوخته‌های قبلی کودک بیان کند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۰.

۲. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۷۳.

۱۹. داشتن رویکرد و روش مشخص (داشتن طرح درس) بدون طرح درس و روند معین در آموزش، مربی مسیر آموزش را گم می‌کند و کودک نیز در روند یادگیری، به دلیل معلوم نبودن طرح تدریس مشخص، سردرگم خواهد شد.

۲۰. رعایت آداب آموزشی

آغاز با نام خدا

رسول خدا ﷺ فرمود: "هر کار ارزشمندی که بدون نام خدا آغاز شود، ناقص است."^۱

وضو و طهارت

با وضو بودن از جمله آدابی است که معصومان علیهم‌السلام آن را، به ویژه در آموزش دینی رعایت می‌کردند.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۶.

۲. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۸۰.

دعا و یاری‌طلبی از خدا

اساساً هدف از آموزش دینی، تربیت انسان و تأدیب او به آداب و اخلاق نیک است. بنابراین، لازم است مربی، آداب نیک را هنگام آموزش رعایت کند. این گونه آداب، افزون بر آثار تربیتی که برای استاد و شاگرد دارد، جلسه را زینت می‌بخشد.^۱ برخی دیگری از آداب آموزشی عبارت است از: فروتنی، در کلام، بخشش علمی، احترام به دانش، دانش‌آموز و جلسه درس، و عمل به آموزه‌ها.^۲

۲۱. آرامش روانی معلم

بر اساس آموزه‌های دینی، رأی و نظر کسی که تحت فشار روحی است، خواه منشأ آن مسائل روحی باشد یا جسمانی، درست نیست و نمی‌تواند آموزش مسائل علمی و

۱. همان، ص ۱۸۲.

۲. جبعی عاملی (شهید ثانی)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۲۰۲ - ۲۰۴.

دینی را که به دقت و توجه و آرامش روحی - روانی نیاز دارد، برعهده‌دار گیرد.^۱

۲۲. مقبولیت و اعتبار مربی

در فرهنگ اسلامی بر این موضوع تأکید شده که معلم و عالم دینی بیش از دیگران و پیش از آنها باید به اصلاح شخصیت و رفتار و گفتار خود پردازد؛ زیرا در غیر این صورت، اعتبار و محبوبیت خود را از دست می‌دهد و از دست دادن این جایگاه والا، به معنای از دست دادن توان تأثیرگذاری است^۲ که دو شرط اساسی دارد:

الف) تخصص

هر اندازه میزان معلومات مربی دینی و مهارت او در تدریس بیشتر باشد، علاقه دانش‌آموز به آن درس و مربی

۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲. محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۷۷.

آن نیز افزایش می‌یابد.^۱ تحقیقات روان‌شناختی نیز نشان می‌دهد میزان تأثیرگذاری افراد متخصص، بیش از افراد غیر متخصص است.^۲

ب) وثاقت

یکی از دلایل گسترش دعوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وثاقت ایشان بود. سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز حاکی از این واقعیت است. بنابراین، وثاقت مربی بیش از استدلال‌های عقلانی و منطقی وی مؤثر است و هر گاه بین این دو تعارض به وجود آید، دومی مقدم خواهد بود. بنابراین، اطمینان به وثاقت مربی می‌تواند تردیدهای روانی را از میان بردارد و افزون بر آن، در مواردی می‌تواند همان کاری را انجام دهد که استدلال عقلی و علمی انجام می‌دهد.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۷۹.

۲۳. رفتار مربی و الگو بودن او

یک ضرب‌المثل عربی می‌گوید: اگر پدر پیاز و مادر سیر باشد، چگونه می‌توان انتظار داشت که فرزند آنان رایحه خوشی داشته باشد؟^۱

اگر مربی الگو باشد، علاقه و محبت به خدا را در کودکان پدید می‌آورد؛ زیرا انسان از نظر فطری و از عمق وجود خود کسی را که جامع صفات نیکو و زیبا باشد، دوست دارد و از هر که صفات ناپسند دارد، بیزار است.^۲

کودکان به ویژه در خردسالی، به شدت تحت تأثیر رفتارها و باورهای مربیان، و البته والدین خود قرار دارند و از آنها تقلید می‌کنند و آنچه را در این دوران فرامی‌گیرند، تا آخر عمر همراهشان باقی خواهد ماند. برخی از روان‌شناسان معتقدند نخستین تصویر کودک از خدا، از تجربه وی از

۱. حسین دهنوی، نسیم مهر، ص ۷۳ - ۷۶.

۲. محمد داوودی، تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۶.

والدین تأثیر می‌پذیرد. کودکی که اعتماد به والدین را می‌آموزد، اعتماد و توکل به خدا را نیز فرا می‌گیرد. غفلت از فرزندان، عصبانی شدن و برخورد خشونت‌آمیز با آنها، به کودکان می‌آموزد که دیگران قابل اعتماد نیستند، کسی او را دوست ندارد و باید از اطرافیان خود بترسد. شکل‌گیری این روحیات در فکر و ذهن کودک، بنیان‌های تصویری خاص از خدا در او خواهد شد. بر اساس این نظریه، مربیان و والدین کاری بس دشوار و ظریف بر عهده دارند؛ آنها باید همراه با آموزش، خود نیز افرادی بردبار و با رفتاری معتدل باشند تا کودکان بتوانند به خوبی آموخته‌ها را با الگوهای رفتاری خود پیوند زنند.

اگر کودکی مربی خود را قابل اعتماد، مهربان و قابل دسترسی بداند، احتمالاً خدا را نیز دارای چنین صفاتی تصور خواهد کرد. از سوی دیگر، اگر مربی خود را خشن، بی‌تفاوت و بی‌انصاف بداند، کودک درباره خدا نیز چنین تصوراتی خواهد داشت. مربیان و والدین در نحوه درک کودکان از خدا

بیشترین تأثیر را دارند. از این روست که روابط تنگاتنگ و روزمره کودکان با مربیان و والدین، تأثیر زیادی در نحوه درک آنها از خداوند دارد.

به نکات زیر عمل کنیم:

- اجازه بدهیم کودک بداند او را دوست داریم. زمانی را برای گوش دادن به سخنان کودک، بازی کردن با او، هم‌دردی کردن در مشکلات او، یاری رساندن به او، و نماز خواندن و دعا کردن همراه با وی اختصاص دهیم. قابل اعتماد باشیم. به وعده‌های خود وفا کنیم. صداقت و صراحت داشته باشیم. همدم کودک باشیم. اگر دچار مشکلی شد، به او کمک کنیم. اگر اشتباهی کرد، او را ببخشیم. اگر به تشویق نیاز داشت، تشویقش کنیم. اگر از چیزی ترسید، از او پشتیبانی و دلگرمش کنیم.

- اشتباه‌های خود را بپذیریم.

مربیان معمولاً درباره اشتباه‌ها و نقص‌های خود نگران هستند و تصور می‌کنند نمی‌توانند الگوی مناسبی باشند؛ چرا

که کودکان از اشتباه‌های آنها نیز تقلید خواهد کرد. در حالی که کودکان به نحوه برخورد مریبان با اشتباه اهمیت می‌دهند. مریبان و والدین باید درست مانند هر تصویری - که بازتابی بی‌عیب و نقص از واقعیت نیست، ولی به حقیقت اشاره دارد - بکوشند به سمت درستی و اصلاح‌گری در زندگی جهت‌گیری کنند. تنها در این صورت است که فرزندان از ورای اشتباه‌ها و نقص‌های والدین، جهت‌خدایی را می‌یابند و راه درست را می‌پیمایند.

والدین و مریبان می‌توانند از طریق سخنان، رفتارها و ارتباطات خود، محیطی مناسب برای فرزندشان فراهم سازند که او را به سمت خدا بکشاند. اگر فقط به خدا و تکامل به سوی او اهمیت دهیم و علاقه بی‌وقفه‌ای به کودکان داشته باشیم، بخشش و فراموش کردن خطاها ساده‌تر خواهد بود. اگر نوعی عشق و اعتماد میان والدین و کودکان برقرار شود، فرزندان نیز به خدا عشق و اعتماد خواهد داشت.

• ما می‌توانیم با روش‌های زیر برای کودکان الگویی موفق از ایمان باشیم:

تلاش برای آموختن درباره خدا: کودک باید ببیند که ما درباره خدا می‌اندیشیم، به مطالعه کتاب‌هایی در این زمینه علاقه داریم و خدا را عبادت می‌کنیم.

گفت‌وگو با کودک: درباره مشکلات زندگی در فرصت‌های مناسب و اعتماد به خداوند به صورت عملی در حل مشکلات زندگی.

در رفتار خود الگو باشیم: بیان صفات خداوند برای کودکان اگر چه آموزنده است، کافی نیست. رفتار و طرز تلقی ما تأثیری بیش از گفته‌هایمان بر باور کودکان دارد. قضاوت‌ها، باورها، شوخی‌ها، نوع دوستانمان یا نوع توجه به مسائل، از سوی کودکان دریافت و جذب می‌شود و شخصیت او را شکل می‌دهد.^۱

۱. ابراهیم یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۳۲-۳۴؛ ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۴۶-۵۰.

۲۴. محبوبیت مربی

محبوبیت مربی به او امکان می‌دهد به آسانی موانع تبدیل باور ذهنی به ایمان قلبی را از میان بردارد و بدین تربیت، بذر باورهای دینی را در روح و قلب کودکان به بار بنشاند. در واقع، محبوبیت مربی دو کارکرد مهم دارد: ۱. به او امکان می‌دهد در لایه‌های درونی شخصیت دانش‌آموزان نفوذ کند؛ ۲. تأثیرگذاری تربیتی مربی را آسان می‌سازد.^۱ تحقیقات نشان می‌دهد هر قدر مربیان تربیتی محبوبیت بیشتری نزد دانش‌آموزان داشته باشند، توصیه‌های آنان در مورد نماز تأثیر بیشتری دارد و میزان گرایش دانش‌آموزان به نماز افزایش می‌یابد.^۲

بر اساس روایات معصومان علیهم‌السلام عوامل زیر در محبوبیت یافتن نقشی مهم دارند:

۱. محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۷۹.
۲. علی سادئی و محمد جعفر جوادی، پیوند، ش ۲۱۵-۲۱۳، ص ۶۹.

۱. دین‌داری؛^۱
۲. گشاده‌رویی و خوش‌رویی؛
۳. اخلاق نیک؛
۴. رفق و مدارا؛
۵. فروتنی و احترام به دانش‌آموزان؛
۶. رعایت عدل و انصاف؛
۷. زهد و بی‌رغبتی به دنیا؛
۸. آراستگی و زیبایی ظاهری.

شیوه‌های آموزش مفاهیم دینی به کودک

مقصود از روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه‌ها و راهکارهای جزئی است که اهداف و اصول آموزش مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آن عینیت می‌بخشد. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش مفاهیم

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶).

دینی، روش‌های آن است. به عبارتی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین و تشخیص روش‌های آموزش مفاهیم دینی و به کارگیری درست و مناسب آن، به ویژه برای کودکان می‌باشد.^۱ روش‌ها و راهکارهای آموزش مفاهیم دینی را می‌توان چنین شمرد:

۱. بهره‌گیری از داستان‌ها

کودکان الفتی شیرین و باورنکردنی با داستان دارند و در آموزش آموزه‌های دینی به کودکان نیز زمینه استفاده از قصه‌گویی بسیار مهیاست.

متون مذهبی، گنجینه‌هایی از حقایق معنوی به شمار می‌آید. سوره‌های مختلف قرآن، سیره و روش زندگی پیشوایان دینی، روش بزرگان و دانشمندان و نیز منش انسان‌های بزرگی که با تکیه بر قدرت خداوند توانسته‌اند کارهای بسیار مهمی در زندگی خود انجام دهند، همه و همه

۱. علی، مقدسی پور، ماهنامه معرفت، ش ۷۵، ص ۴۱.



می‌تواند در خدمت خدانشناسی کودکان قرارگیرد. در اجرای موفق این روش، توجه به برخی نکات سودمند است:

- در طرح داستان‌های دینی، باید از بیان ماجراهایی که به عذاب‌های خداوند و سخت‌گیری او بر بندگانش مربوط می‌شود، خودداری کرد و بیشتر به بازگویی داستان‌هایی پرداخت که چهره‌ای صمیمی و مهربان از پروردگار به نمایش می‌گذارد.^۱

- داستان، متناسب با سن کودک و سطح پرسش‌های او تنظیم شود.^۲

- نباید پرحرفی کرد؛ باید اجازه داد خود داستان، مفاهیم لازم را منتقل کند.^۳

- در داستان کودکان، باید اصل را بیان زیبایی نیکی‌ها قرار داد، نه زشتی بدی‌ها.^۱

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۴۱ و ۴۲.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۲۹.

آثار داستان:

- تقویت قدرت تخیل؛
- تقویت قدرت خلاقیت؛
- انتقال بهتر و سریع محتوا (شیوه‌ای که در قرآن کریم توصیه شده است)؛
- آسان کردن مفاهیم انتزاعی.

۲. تأکید بر معرفی صفات خدا

در قرآن، خداوند از راه صفات به مردم معرفی شده است. شناساندن صفات خدا، یکی از روش‌های کارآمد در رشد و ارتقای معرفت و اعتقاد به خداست. در این روش، مربی به جای تمرکز بر ترسیم تصویری از ماهیت خداوند متعال، می‌کوشد صفات جلال و جمال او را برای کودک به تصویر بکشد.

مزایای این روش:

۱. محمد علی سادات، رفتار والدین با فرزندان، ص ۱۵.

۱. مفاهیم به کار گرفته شده (مهربانی، شفقت، بخشش، قاطعیت و...) روشن و برای کودکان به آسانی قابل فهم است؛ چرا که پیوسته با آن سر و کار دارند.
۲. در این روش، از مفاهیم فلسفی و کلامی انتزاعی و پیچیده که درک آنها برای کودک آسان نیست، استفاده نشده است.
۳. در این روش در ذهن کودک تصورات نادرستی درباره خداوند به وجود نمی‌آید^۱.

یک مربی موفق مهد کودک باید توجه داشته باشد وقتی کودک بداند مورد علاقه خداوند است و هدایای فراوانی همچون پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ از سوی خداوند به او داده شده، ارتباط بهتری با او برقرار می‌کند و زمینه اولیه شناخت بهتر خداوند در او شکل می‌گیرد. این تصور باید در ذهن کودک

۱. داوودی، تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، ص ۴۴.

استقرار یابد که خدا وی را دوست دارد و می‌خواهد او فردی شایسته و خوشبخت گردد. او حتی دوست داشتنی، مهربان و صمیمی‌تر از پدر و مادر است.^۱ البته نیکی و بخشش خدا به بندگان برای کودک، باید در حد فهم او بیان شود.

۳. بهره‌گیری از ابزارهای متنوع

برای آموزش خدا به کودکان، باید از روش‌های متنوعی بهره برد. نقاشی، بازی، سرودخوانی و شعر، روش‌هایی است که در مورد مفاهیم دینی جذابیت لازم را برای بچه‌ها به همراه دارد. گفتگو درباره ماجراهای روزانه، وسایل کمک آموزشی مختلف، مطالعه زندگی‌نامه بزرگان، پارک، دریا، فضای سبز، جنگل، اماکن مقدس و اسباب‌بازی‌ها، کتاب‌های مصور و دیگر وسایل بازی نیز می‌تواند برای انتقال ایده‌های مختلف به کودکان سودمند باشد. در این خصوص، خلاقیت خود مربی کمک می‌کند تا راه‌هایی را

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۴۲.

بیباد که به جای گفتار، بتواند از راه مشاهده به کودک آموزش دهد.^۱

در آموزش مفاهیم دینی، از وسایل کمک آموزشی گوناگونی می‌توان بهره برد. داستان‌های مذهبی، داستان‌های حماسی، تمثیل‌های اخلاقی، مطالعه زندگی‌نامه بزرگان، طبیعت، پارک، دریا، فضای سبز، جنگل، اماکن مقدس و گفت‌وگوی شما و کودکان درباره پرسش‌های مهم، منابعی است که به راحتی در دسترس مربیان قرار دارد.^۲

۴. وارد کردن قرآن در زندگی کودکان

برای رشد معنوی کودکان، قرآن را وارد زندگی خود کنیم. در کلام پیشوایان دینی تشویق‌های بسیاری برای برگزیدن این روش دیده می‌شود. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: "کسی

۱. همان.

۲. همان.

که پیش از بلوغ قرآن بخواند، به تحقیق در کودکی به او حکمت داده شده است".^۱

قرآن کریم دربردارنده موضوعاتی متعدد مانند داستان، نظریه، اصول اخلاقی، اصول اعتقادی، عبادات فردی و نظایر آن است. اگر چه کودکان سرانجام با این تنوع موضوعات آشنا خواهند شد، در هر سنی باید به موضوعات ویژه‌ای توجه و قرآن کریم را به گونه‌ای جذاب به کودکان معرفی کرد.

باید به کودک کمک کرد تا آیات کاربردی هر سنی را حفظ کند. کودکان سه تا ده ساله، قدرت حافظه بیشتری دارند و بیش از آنکه بفهمند، حفظ می‌کنند. حفظ این آیات به صورت گنجینه‌ای درون آنها ذخیره می‌شود و هنگامی که به درک و فهم مطالب توانمند باشند، کمک مؤثری به ایشان خواهد کرد.^۲

۱. عبدالرحمن جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۴۸۵.

۲. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۴۲ و ۴۳.

۵. تمثیل و تشبیه

در این زمینه باید به نکات زیر توجه کرد:

- در تمثیل، مجهولات معنوی و ماورایی با استفاده از معلومات مادی و زمینی توضیح داده می‌شود.^۱
- تمثیل، سبب عینی و ملموس تر شدن مفاهیم دینی برای کودکان خواهد شد. با این روش امور معقول، ذهنی و انتزاعی به امور عینی و ملموس نزدیک می‌شود.^۲
- باید کوشید از تمثیل‌ها و داستان‌های فرهنگ و مذهب خودی بهره برد؛ مانند داستان حضرت یونس علیه السلام که مفاهیمی چون ناامید نشدن از رحمت خداوند و توبه کردن پس از آگاه شدن از اشتباه و خطا در آن نهفته است.^۳

۱. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۷۸.

۲. سید علی حسینی زاده، تربیت فرزند؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۵۰.

۳. همان، ص ۷۹.

• تمثیل‌های مناسب به وجود آوریم. مثلاً می‌توانیم خوبی را به روشنایی و بدی را به تاریکی تشبیه کنیم.^۱

• بر معانی و محتوای تمثیل‌ها تأکید کنیم. برای درک مفهوم حضور خدا در همه جا، نور، تمثیلی بسیار غنی است.^۲

۶. طرح محتوای دینی با زبانی شیرین و ساده

نظم و ترتیب منطقی، نوسازی، تنوع و جامعیت نسبی محتوای آموزشی، از جمله نکاتی است که برای بیان شیرین و ساده آموزه‌های دینی باید در نظر گرفت.

اگر می‌خواهیم آموزش باورهای بنیادین را برای کودک جذاب و نیاز او را تقویت کنیم، آن را با زندگی روزمره وی پیوند دهیم. راه‌های متعددی برای این کار وجود دارد:

• مفاهیم بدیهی و یقینی را در اوایل دوران کودکی پایه‌ریزی کنیم. باورهای مذهبی در خلأ نیست، بلکه

۱. کودکان معمولاً شب را دوست ندارند. (همان، ص ۸۰)

۲. همان.

عصاره‌ای از داستان، تاریخ، تمثیل، شعر، دعا و تفسیرهای دینی است که در طول تاریخ، یک فرهنگ و سنت را گردآوری و حفظ کرده است. بنابراین، آموزش باورهای بنیادی نیز روندی منطقی است که پس از آشنایی کودکان با این موضوعات امکان‌پذیر خواهد شد.

• هیچ‌گاه نظریه‌ای رسمی را برای کودکان تکرار نکنیم، مگر اینکه توانایی درک آن را داشته باشند.^۱

۷. ارائه الگو

کودکان مقلدان زبردستی هستند و قادرند دشوارترین مسائل را از راه یادگیری بیاموزند. آنها در دوران رشد خود به سنی می‌رسند که "تقلید از قهرمانان" بخش عمده‌ای از روان‌شناسی رفتاری‌شان را تشکیل می‌دهد. با توجه به این اصل، روش آموزشی که به ذکر مثال و الگو می‌پردازد، قوی‌ترین روش آموزش است و در زمینه یادگیری‌های

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۴۴ و ۴۵.

مذهبی نیز کاربرد دارد. اصول اعتقادی، در بستر عملی و تجربی قابل آموزش است؛ بنابراین، یادگیری زندگی معنوی با آگاهی از زندگی معنوی دیگران آسان می‌شود.

برای مثال، مقصود اصلی از خداشناسی، نشان دادن تجلیات خداپرستی در زندگی انسان است. پس باید صحنه‌هایی از زندگی یک خداپرست واقعی متناسب با سنین کودکان هر دوره نشان داده شود. فعالیت‌های فردی، تحصیلی، شغلی، اجتماعی و خانوادگی یک مؤمن، می‌تواند در قالب برنامه‌ای شبانه‌روزی ترسیم شود و به کودک ارائه گردد. همچنین می‌توانید نمونه‌هایی را در داستان‌های گذشتگان و زندگی‌نامه مؤمنان بیابید.^۱

نیز آشنا کردن کودکان با زندگی شخصیت‌های اصلاح‌گری که به رغم شکست‌ها و مشکلاتی که داشته‌اند، در نهایت موفق شده‌اند، مثل قهرمانان مذهبی (شهداء،

۱. همان، ص ۴۵ و ۴۶.

رهبران، معلمان و...)، شخصیت‌های معاصر و آشنایان مورد علاقه کودک، سودمند است.^۱

۸. یادآوری نعمت‌های خدا

طبیعت از راه‌های گوناگون درباره خدا با ما سخن می‌گوید و بخشندگی الهی در گوناگونی پدیده‌های طبیعی قابل درک است.^۲

رحمت خدا با مشاهده پدیده‌هایی چون بازگشت پروانه‌ها پس از پروازی طولانی، راه رفتن ضعیف گوساله پس از تولد و زنده ماندن پرندگان در زمستانی سرد، قابل درک است. قدرت خدا در عظمت کهکشان‌ها و پیچیدگی حیات دیده می‌شود. محبت و زیبایی خدا در رنگ‌های طبیعت و مناظر طبیعی متجلی است.^۳ نخستین درس ادیان الهی به انسان‌ها،

۱. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۸۶ و ۸۷.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۹۶.

این است که طبیعت، کتاب بزرگ آفرینش خداست.^۱ امام سجاد علیه السلام در این باره فرموده‌اند: "خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. حضرت موسی علیه السلام پرسید: چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن؛ آنان خود عاشق من خواهند شد."^۲

نکاتی که در این زمینه می‌تواند برای مربیان پیش‌دبستانی سودمند باشد از این قرار است:

- ارتباط کودکان را با طبیعت افزایش دهیم:
- با کودکان پیاده‌روی کنیم و از مشاهده گیاهان و دیگر موجودات زنده لذت ببریم.
- با کودکان به پارک و دشت و صحرا برویم.
- از تماشای آسمان و طلوع و غروب آفتاب لذت ببریم.
- از باغ وحش و آکواریوم دیدن کنیم.

۱. همان، ص ۹۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴.

- به کوهنوردی و ماهیگیری برویم.
- توجه به طبیعت را به کودکان بیاموزیم:
- گاه با کودک در مکانی آرام بنشینیم و محو تماشای طبیعت شویم.
- رنگ‌های گوناگون طبیعت مثل قرمز، زرد، آبی، نارنجی و طیف متنوع رنگ سبز را بیابیم و به تنوع آن توجه کنیم.
- به صداهای گوناگون گوش فرا دهیم؛ صدای پرندگان، به هم خوردن برگ درختان، حرکت آب و غیره.
- به تماشای محل زندگی موجودات مختلف برویم؛ آشیانه پرندگان، کندوی زنبورها، لانه مورچه‌ها، محل زندگی ماهیان و ...
- مجموعه‌ای از دانه‌های گیاهی، برگ درختان، پرندگان و صدف یا ماهیان را تهیه کنیم.
- از مناظر طبیعی عکس بگیریم یا آنها را نقاشی کنیم.
- با استفاده از ذره‌بین، میکروسکوپ یا تلسکوپ به مطالعه جزئی‌تر طبیعت بپردازیم.

- بین خدا و طبیعت ارتباط برقرار سازیم:
- به کودک توضیح دهیم که خدا، تنوع موجودات را دوست دارد؛ خداوند طراح بزرگی است.
- خدا قدرت شگفتی دارد. خداوند به کوچک‌ترین ذرات نیز اهمیت می‌دهد؛ او بزرگ است.
- از کودکان بپرسیم هنگام مشاهده غروب آفتاب، جنگل، آبشار و پرندگان چه تصویری از خدا به دست می‌آورند.
- حتی دیدن یک فیلم از شگفتی‌های آفرینش، فرصتی برای گفتگو درباره خدا و قدرت اوست.^۱

۹. یادگیری از راه شعر و سرود (موزون‌گویی)

معصومان علیهم‌السلام اغلب می‌کوشیدند از جمله‌های مشابه و هم‌سنگ استفاده کنند تا به خاطر سپاری آن آسان‌تر باشد.^۲ گاه برای آموزش مؤثر کودکان درباره خدا، نمی‌توانید کلمات

۱. یاب، ایرس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۹۶-۹۸.

۲. حسینی زاده، سید علی، دگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۶۵.

لازم را بیابید. هنگامی که واژگان توانایی معرفی خدا را ندارند، از شعر و سرود بهره بگیرید.^۱

خواندن سرودهایی را به کودکان بیاموزیم که در عین سادگی، مفهیمی ژرف به آنها می‌آموزند؛ مفهیمی مثل "خدا ما را دوست دارد"، "خدا یاور بی‌پناهان است" و...^۲

مهربان‌تر از مادر	مهربان‌تر از بابا
مهربان‌تر از آبی	با تمام ماهی‌ها
مهربان‌تر از گل‌ها	با دو بال پروانه
مهربان‌تر از باران	با درخت و با دانه
مهربان‌تر از خورشید	با گل و زمینی تو
تو خدای ما هستی	مهربان‌ترینی تو

۱۰. ارتباط کودک با اماکن مذهبی و زیارتی (هنر و معماری اسلامی)

مکان‌های مقدس به نحوی به خداوند و اولیای الهی اشاره دارد. معماری یک مکان مقدس ممکن است بتواند عظمت

۱. یاب، ایرس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ۱۳۸۹، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۰.

خدا را به یاد بیننده بیاورد یا احساس حضور خدا را در انسان زنده کند. البته این مکان‌ها معمولاً اهمیت تاریخی - مذهبی نیز دارند.^۱

مکان‌های مقدس و معماری‌هایی که بیانگر حضور خداوند است، روح کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۲ و گاه ارتباط با امامان معصوم علیهم‌السلام در این اماکن شکل می‌گیرد.

۱۱. پرسش و پاسخ و انواع پرسش‌های آموزنده

آموزش همیشه از راه نصیحت یا توصیه امکان‌پذیر نیست و گاه از طریق طرح پرسش‌های گوناگون و فرصت دادن به کودک برای یافتن پاسخ آنها ممکن می‌شود. مؤثرترین و تحول‌آفرین‌ترین روش آموزش این است که ذهن یادگیرنده را بر اندیشیدن، تجربه، پرسش و کشف متمرکز کنیم (روش سقراطی) و صرفاً نقشی کمکی برای خود قائل باشیم.

۱. یاب، ایرس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۰۳.

با اعتقاد به این روش، پرسش‌های کودکان برای ما ارزش پیدا می‌کند و به آنها اهمیت خواهیم داد و خود نیز با طرح پرسش‌های آموزنده به فرزندانمان آموزش می‌دهیم.^۱

انواع پرسش‌های آموزنده بدین قرار است:

پرسش‌های به یادآورنده

این نوع پرسش بسیار ساده است، ولی به حافظه‌ای قوی نیاز دارد و با واژگانی چون چه کسی، چه چیزی، چه زمانی و کجا آغاز می‌شود. امام سوم ما چه کسی است؟ قبر امام رضا علیه السلام کجاست؟

با این پرسش‌ها می‌توان میزان یادگیری کودک را درباره آموزش‌های پیشین ارزیابی کرد یا دریافت که آیا او برای آموزش‌های جدیدتر آمادگی دارد یا خیر؟

پرسش‌های کاربردی

این پرسش‌ها باعث می‌شود تا کودک درک خود را از مفاهیم دینی در زندگی خویش محقق سازد. مثلاً اگر کودک از تاریکی می‌ترسد، داستان حضرت یونس علیه السلام را برای او تعریف کنید. سپس از او بپرسید: به نظر شما، یونس علیه السلام در شکم ماهی چه کرد؟ خدا چگونه به یونس علیه السلام یاری داد؟ آیا خدا حامی شما نیز هست؟

پرسش‌های ارزیابی‌کننده

ارزیابی موقعیت و راه‌های ممکن و عملی، مهم‌ترین بخش تعمیم و شکل‌گیری ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد. پرسش‌های ارزیابی‌کننده ممکن است در پی تحلیل، مقایسه یا رسیدن به نتایج قابل پیش‌بینی باشد.

هنگامی که با فرزند خود به خرید یا تفریح می‌روید، می‌توانید برای آغاز صحبت، پرسش‌های ارزیابی‌کننده مطرح کنید: امروز چه چیزهایی تجربه کرده‌ای که می‌خواهی به



علت آن از خدا تشکر کنی؟ امروز چه چیزی دیده‌ای که تو را به تفکر درباره خدا وا داشت؟

پرسش‌های اعتقادی

این نوع پرسش، در جستجوی پاسخ‌هایی است که گرایش‌ها و خواسته‌های قلبی را می‌سازند. زمانی فرا می‌رسد که باید کودکان را تشویق کنیم تا ایمان و درک و دریافت شخصی خود را بروز دهند. در این شرایط، چنین پرسش‌هایی را در نظر می‌گیریم: آیا از اینکه خدا تو را آفریده، خوشحالی؟ دوست داری برای رضایت خدا چه کاری انجام دهی؟ آیا دوست داری در مراسم مذهبی و سخنرانی‌های دینی شرکت کنی؟ البته باید از تکرار بیش از اندازه آنها خودداری ورزیم تا تأثیر خود را از دست ندهد.^۱

۱۲. روش نمایشی یا مشاهده‌ای (فیلم، انیمیشن، تئاتر و بازی‌های رایانه‌ای)

رسول خدا ﷺ در موارد متعددی مانند آموزش نماز و حج از این روش استفاده می‌کردند و به مردم می‌فرمودند: "نماز بگذارید، آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم."^۱

بر این اساس، ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده عبادی در مراکز آموزشی و محیط خانواده سودمند خواهد بود.

تحقیقات نشان می‌دهد از میان حواس پنجگانه، حس بینایی ۷۵ درصد یادگیری را بر عهده دارد و تقریباً ۲۵ درصد یادگیری به بقیه حواس مربوط می‌شود.^۲



۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۶.

۲. شکراللهی، اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی بر مبنای قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۰۸.

۱۳. تشویق و ترغیب گفتاری و عملی

اهدای جایزه، دادن کارت امتیاز، بردن به مسافرت یا پارک، دادن شیرینی و شکلات و بهره‌گیری از دیگر شیوه‌های تشویقی، در کنار محبت بدون امر و نهی، بازدهی آموزش دینی را بالا خواهد برد.

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

اصل تشویق در سیره معصومان علیهم‌السلام، به ویژه در تشویق‌های آموزشی، بر تشویق گفتاری استوار است؛ در عین حال تشویق مادی نیز به کلی، به ویژه در مسائل تربیتی، منتفی نیست. شاید علت اهمیت بیشتر به تشویق‌های معنوی و گفتاری، در کمتر بودن آثار منفی آن در تشویق‌شونده و ناظران است؛ زیرا تشویق‌های مادی در چشم شاگرد و دیگران، بیشتر نمایان می‌شود و ممکن است احساس تبعیض و حسادت را برانگیزد.^۱

۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۶۳.

۱۴. ارائه تصویر کامل از عمل و بیان انواع آثار و پیامدها کسی که با فواید اعمال دینی آشنا گردد و از زیان‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار ترک نماز، روزه، حج و ... آگاه شود، به انجام آنها میل و رغبت می‌یابد و از ترک آنها حالت نفرت به او دست می‌دهد^۱.

ایجاد بصیرت و بینش دینی با بیان فلسفه، سودمندی‌ها و برخی از آثار اعمال و تکالیف عبادی در حد توان فکری کودکان به صورت ملموس، عینی و منطقی، می‌تواند کودک را در برداشت گام‌های استوار در خداشناسی یاری کند.

۱۵. توصیف خداوند با کلمات عام و جهان‌شمول

در معرفی خدا به کودک باید تصویر ذهنی جهان‌شمولی از خداوند ارائه کرد؛ مانند: "همه کودکان خدا را دوست دارند"، "ما بندگان خدا هستیم"، "او حافظ بندگان خویش است".

۱. محمد داوودی، تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۷۱.

باید کوشید هنگام نقل آیات الهی یا داستان‌های مذهبی برای کودک، از ترجمه‌هایی با زبانی جامع و لحنی جهان‌شمول استفاده کرد و مربی با استفاده نادرست از واژه‌ها، تصویری محدود در ذهن کودکان به وجود نیاورد.^۱

۱۶. شرکت در فعالیت‌های مذهبی

مربیان و به ویژه والدین می‌توانند در محیط آموزشی یا خانواده، نماز را به جماعت بخوانند. مربیان می‌توانند مراسم و سالگردهایی را که به مناسبت‌های گوناگون برگزار می‌کنند، به ایامی برای اندیشیدن بدل سازند.

از راه عبادت دسته‌جمعی می‌توان کودک را با درک خود از خدا آشنا ساخت و او را در ارزش‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها و توانایی‌های معنوی خود مشارکت داد. در این هنگام مربی می‌تواند کودک را با تکیه‌گاه‌های معنوی

۱. یاب به نقل از حاجی‌زاده، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۵۲.

خود که به او قدرت می‌دهد، آشنا سازد.^۱

کودک را باید برای شرکت در فعالیت‌های گروه‌های مذهبی (هیئت‌ها) تشویق کرد. عبادت یا فعالیت معنوی دسته‌جمعی، تأثیر پایداری در رشد معنوی او دارد. این نوع فعالیت‌ها موجب می‌شود محیط خانه یا مدرسه به مکانی معنوی و مقدس تبدیل شود.^۲ آشنا کردن دانش‌آموزان با عبادت‌های واجب و مستحب، به ویژه نمازهای شبانه روز و روزه در چنین فضایی دلنشین‌تر و ماندگارتر خواهد بود. البته باید کوشید اوقات عبادت یا هر نوع فعالیت معنوی خانوادگی، به قدری باشد که برای کودکان جذاب باشد.^۳

کودک را نباید به تنهایی برای شرکت در مراسم مذهبی فرستاد، بلکه باید او را همراهی کرد و به وی نشان داد که

۱. همان، ص ۱۳۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۳۸.

به ارزش‌های دینی و مذهبی احترام می‌گذاریم.^۱
پیش از شرکت در مراسم، ماهیت آن را به زبانی ساده و قابل درک برای او تشریح کنید و علت شرکت خود را برایش توضیح دهید.^۲ اگر نمی‌توان مراسمی خاص کودکان برگزار کرد، دست کم می‌توان بخشی از مراسم اصلی را به کودکان اختصاص داد؛ مثلاً قرائت آیات الهی را به آنها سپرد، گفتن تکبیر، نصب پوستر و پرچم‌های عزاداری یا مولودی را به ایشان محول کرد، یا گروه سرود یا شعرخوانی مذهبی تشکیل داد.

۱۷. همراه‌سازی یادگیری با تجربه‌های خوشایند

وقتی موضوعی با احساس خشنودی همراه باشد، انسان آن را با راحتی، رضامندی و رغبت به خاطر می‌سپارد و دیرتر فراموش می‌کند. بر این اساس، باید زیباترین و

۱. همان، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۴۳.

خوشایندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده، برای آموزش مفاهیم دینی قرار داده شود.^۱
 حفظ نشاط روح و روان کودک در طول آموزش، نکته‌ای است که موفقیت مربی را افزایش می‌دهد.

۱۸. تذکر و تصحیح خطاها

در بحث اصول آموزش دینی گذشت که بزرگداشت کودک لازم است، ولی این به این معنا نیست که خطاهای او را گوشزد نکنیم. کودک باید بدون عیب‌جویی، سرزنش و تنبیه بدنی تذکر دریافت کند و خطاهای یادگیری خود را تصحیح نماید.



۱. غلام‌علی افروز، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۴.

پرسش‌های فصل

چهارمورد از شیوه‌های جلب مخاطب را که معصومان علیهم‌السلام به کار می‌بردند، نام ببرید.

اصل آسان‌سازی در آموزش مفاهیم دینی چه فایده‌ای دارد؟
چهار مورد از آداب آموزشی را نام ببرید.

بهره‌گیری از داستان در آموزش مفاهیم دینی چه اثری بر کودک دارد؟

ارتباط کودک با اماکن مذهبی و زیارتی چه آثاری دارد؟
پرسش‌های به یادآورنده به چه معناست؟

سؤال برای تفکر بیشتر

شما در کلاس‌های پیش‌دبستانی، کدام اصول و روش‌ها را به کار می‌برید و کدام اصول و روش‌ها را در انتقال بهتر مفاهیم مهم‌تر و مؤثرتر می‌دانید؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. اخوی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *خدا در زندگی کودکان*، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام. (فصل سوم)
۲. افروز غلام‌علی، (۱۳۷۶)، *روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان*، چاپ پنجم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۳. باهنر، ناصر، (۱۳۸۰)، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، چاپ نهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. (فصل پنجم)
۴. حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۴)، *تربیت فرزند؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام* چاپ چهارم، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. داوودی، محمد، (۱۳۹۰)، *نقش معلم در تربیت دینی*، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. داوودی، محمد و سید علی حسینی زاده، (۱۳۸۹)، *سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام* چاپ اول، قم: و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران: سمت.
۷. شفیعی، راحله، (۱۳۸۹)، *چگونگی پاسخگویی به سؤالات کودکان دبستانی درباره خدا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

۸. شکراللهی، مهدی، (۱۳۸۹)، *اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی بر مبنای قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله.
۹. مقدسی پور، علی، (۱۳۸۱)، *اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله.
۱۰. یاب، ایرس، *کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا*، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوازدهم، تهران: صابرین. (بخش دوم کتاب)



فصل چهارم

پرسش‌های کودکان و مهارت‌های

پاسخگویی

- مهارت‌های پاسخگویی
- هشدارها و آسیب‌های پاسخگو نبودن یا پاسخگویی نامناسب
- پرسش‌های ویژه کودکان و پاسخ به آنها
- ویژگی‌های مربی

هدف‌های آموزشی فصل

- انتظار می‌رود مربی بتواند در پایان فصل مطالب زیر را تبیین کند:
- مهارت‌های پاسخگویی
- هشدارها و آسیب‌های پاسخگو نبودن یا پاسخگویی نامناسب
- پرسش‌های ویژه کودکان و پاسخ به آنها
- ویژگی‌های مربی



مقدمه

پرسشگری کودک نه تنها امری ناپسند و کسالت‌آور نیست، بلکه زمینه‌ساز رشد علمی و شکوفایی او و مربیان اوست؛ زیرا چه بسا مربیانی که به دلیل یافتن پاسخی مناسب و قانع‌کننده برای کودک خود، به مطالعه کتاب‌های سودمندی ملزم شده‌اند که بر دامنه اطلاعات آنها افزوده است. امام علی علیه السلام در روایتی زیبا چنین می‌فرماید: "هر کس در خردسالی بپرسد، در بزرگسالی پاسخ می‌دهد."^۱ آن حضرت در عبارتی دیگر، اهمیت این پرسش و پاسخ‌ها را در رشد شناختی کودک این‌گونه تبیین می‌فرماید: "کسی که

۱. حکمت‌نامه کودک، ج ۲۱۹؛ غررالحکم، ج ۸۲۷۳.

در کودکی نیاموزد، در بزرگسالی پیش نمی‌افتد.^۱ به همین دلیل، آشنایی با مهارت‌های پاسخگویی و پرسش‌های کودکان، برای مربیان پیش دبستان امری اجتناب‌ناپذیر است.^۲

مهارت‌های پاسخگویی

مربی برای پاسخگویی مناسب و شایسته به پرسش‌های کودکان، باید مهارت‌هایی را داشته باشد و نیز شرایطی را در نظر بگیرد که به آن اشاره می‌کنیم:

۱. اجازه پرسش دادن

یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال ضروری‌ترین اقدامات مربیان در برنامه پاسخ‌دهی این است که به کودکان اجازه پرسیدن و دنبال کردن پرسش خود، تا رسیدن به پاسخ

۱. حکمت‌نامه کودک، ح ۲۲۰؛ غررالحکم، ح ۸۹۳۷.

۲. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۵۷.

کامل و قانع‌کننده را بدهند. این کار سبب می‌شود کودک گره‌های فکری خود را به دست توانای مربی بگشاید و گام‌های مهمی بردارد. متأسفانه برخی از مربیان مطلقاً به کودک اجازه گفت‌وگو درباره بعضی از آموزه‌های دینی، به ویژه خداوند را نمی‌دهند و به بهانه اینکه صحبت کردن درباره آن گناه و امری ناپسند است، کودک را در دنیای ابهامات و مجهولات خود تنها می‌گذارند. این رفتار، روند تحول دینی در کودک را با مشکل مواجه می‌سازد و حتی پاره‌ای از کودکان را به دلیل پناه بردن به اطلاعات ناقص دیگران، به انحراف می‌اندازد.

مربی موفق نه تنها به کودک اجازه پرسیدن می‌دهد، بلکه او را برای پرسش‌های خوب و معنوی تشویق و با کمک به او در یافتن پاسخ درست، رفتار و تلاش خداشناسی او را تقویت می‌کند. البته ما گاه با شنیدن پرسش‌های کودکان، رفتاری اضطراب‌آمیز از خود نشان می‌دهیم. در این صورت، رفتار ما این پیام را به کودکان القا می‌کند که مطلب

بدی پرسیده و دیگر نباید از این گونه پرسش‌ها بپرسد. حتی حالت‌های ما نیز می‌تواند در بازداری یا تشویق کودکان به پرسشگری تعیین‌کننده باشد. پس هنگام شنیدن، رفتاری آرام و مهربان از خود نشان دهیم که کودک را برای طرح پرسش و یافتن پاسخ دچار ناآرامی و احساس گناه نکند.^۱

۲. گوش سپردن هشیارانه به پرسش‌ها (هنر گوش کردن)

خوب گوش کردن، هنری است که در همه ارتباط‌ها کاربرد مؤثری دارد. این مسأله در سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام نیز بسیار مشاهده می‌شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: "گوشت را به خوب شنیدن عادت ده." ^۲ گوش دادن فعال و هنرمندانه به پرسش‌های کودکان، آثار زیر را به دنبال دارد:

۱. همان، ص ۵۸ - ۵۹.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم.

(الف) نوعی احترام به کودک به شمار می‌آید؛
(ب) فشار روانی حاصل از پرسش را که بر دل پرسشگر سنگینی می‌کند، می‌کاهد؛^۱
(ج) بهترین تشویق‌گر برای طرح این گونه پرسش‌هاست؛ زیرا مریبان با این کار خود جدیت و اهمیتی را که برای موضوع قائل هستند، به کودک می‌رسانند؛
(د) سبب درک دقیق پرسش می‌شود و به والدین کمک می‌کند پاسخ‌هایی کاملاً مرتبط با پرسش کودک خود فراهم آورند و از تفسیر پرسش و طولانی شدن پاسخ و نیز دادن پاسخ‌های نامربوط به پرسش کودک خود بپرهیزند و با این کار، کودک را از خستگی و سردرگمی در گرفتن پاسخ ایمن سازند.^۲

۱. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۴.

۲. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۵۹.

۳. خلاصه‌گویی

از دیگر ویژگی‌های سخن معصومان علیهم‌السلام این است که سخنانشان با وجود کم و کوتاه بودن، معانی زیادی دربردارد. با این عمل، می‌توان افزون بر انتقال معنای آموزشی لازم به کودک، از خستگی و بی‌رغبتی او نیز جلوگیری کرد.^۱

۴. توجه به ورای پرسش‌های معنوی کودکان

به جای آنکه فقط با ذهن مخاطب مواجه شویم، باید به عواطف و احساسات او نیز توجه کنیم. مربی با تجربه و دلسوز از این پرسش، راهی به مسائل ناگفته پرسشگر می‌گشاید و پس از تحلیل دقیق و عمیق پرسش در گفتگویی سازنده، پرسشگر را به آرامش و آسودگی کامل می‌رساند و افزون بر پاسخگویی به پرسش او، گره‌های نهفته در آن را نیز باز می‌گشاید.^۲

۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۶۶.

۲. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۲۹.

۵. درنگ در پاسخگویی

هر چند ممکن است پرسش‌های کودکان ساده به نظر برسد، به دلیل وجود محدودیت‌های شناختی و اندک بودن خزانه واژگان آنان، پاسخگویی به کودکان قدری دشوار و نیازمند ظرافت بیشتری است. از این رو، بکوشیم در پاسخ به پرسش‌های کودکان درباره مفاهیم دینی، همیشه اندکی درنگ کنیم. نگران نباشیم، کودک ما این را به پای صداقت و اهتمامان به پرسش تلقی خواهد کرد، نه به پای ندانستن پاسخ. نخست پرسش کودکمان را با زبانی ساده تکرار کنیم تا مطمئن شویم منظور او را متوجه شده‌ایم. سپس قدری پاسخ را در ذهن خود مرور و بعد آن را به زبان کودک ساده کنیم و سپس پاسخ مورد نظر را با توجه به درک کودک خود و تا حد امکان در قالب مثال و نیز با پیوند زدن به معلومات پیشین او مطرح سازیم. اگر پاسخ قانع‌کننده‌ای داده باشیم، کودک آرام و به کارهای خود مشغول می‌شود، ولی اگر موفق نشده باشیم و کودک پاسخ ما را درک نکرده باشد،

پرسش را تکرار خواهد کرد که لازم است با بردباری و با توضیح بیشتری به پاسخگویی پردازیم^۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "کسی که در پاسخگویی شتاب کند، به پاسخ درست دست نمی‌رسد"^۲.

اندکی مکث پس از شنیدن پرسش، آمادگی و شوق مخاطب را برای دریافت پاسخ، و آمادگی مربی را برای ارائه پاسخی منطقی بالا می‌برد.^۳

۶. پاسخ‌های استاندارد

پاسخی که به پرسش‌های کودک می‌دهیم، باید درست، کوتاه، روشن و قابل فهم او باشد. از دادن پاسخ‌های نادرست به شدت پرهیزیم. همچنین پاسخ را آن قدر طولانی نکنیم که کودک بار دیگر جرأت طرح چنین پرسش‌هایی را نداشته باشد. مطالبی را که مطمئن هستید کودک حوصله شنیدن و

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۵۹ - ۶۰.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم.

۳. غلامرضا، حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۷.

توان فهمیدن آنها را دارد، مطرح و در تمام مراحل پاسخگویی، در عین جدیت، صمیمی رفتار کنیم. از گفتن مطالب سنگین، خسته‌کننده و نامأنوس بپرهیزیم. لازم نیست از پاسخ‌های دقیقی استفاده کنیم که قابل فهم برای کودک نیست، استفاده کرد.^۱

افراد بالغ می‌توانند از واژگانی چون ازلی و ابدی، نامحدود و غیرقابل درک، مقدس و عادل استفاده کنند، ولی در مورد کودکان زیر شش سال باید از واژگانی مانند برای همیشه، بزرگ، قوی و خوب بهره ببریم. کودکان بالاتر از شش سال می‌توانند واژگانی چون همیشه، همه‌جا، مافوق، قدرتمند و کامل را درک کنند.^۲

۷. استفاده از روش‌های متنوع پاسخگویی

برای تفهیم بهتر مطالب خود و کمک به کودکان در رسیدن

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۶۰.

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۱۶.

به پاسخی درست و قابل درک، راه‌های گوناگونی را برای پاسخگویی به پرسش‌های کودکان برگزینیم. گاه لازم است شخصاً به این پرسش‌ها پاسخ دهیم و زمانی باید او را به سمتی هدایت کنیم که خود پاسخ را بیابد. بنابراین، به پیشنهادهای زیر که از سوی کارشناسان مطرح شده، توجه کنیم:

۱. فعالیت خاصی را به کودکان پیشنهاد کنیم؛ مثلاً از او بخواهیم نظر خود را درباره سؤالی که پرسیده در یک نقاشی بیان کند.

۲. مواد آموزشی را در اختیار او قرار دهیم؛ مثلاً وسایل نقاشی را در اختیار او بگذاریم و از طریق تهیه خمیربازی، زمینه شکوفایی فکری او را فراهم سازیم.

۳. پرسش‌های مناسبی مطرح کنیم و کودک را به فکر کردن واداریم. برای تفکر بهتر کودک، محیطی آرام و ساکت برای او فراهم آوریم.^۱

۱. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۶۱.



۸. درک دقیق پرسش

بهتر است از خود او کمک بگیریم و با چند پرسش خیلی دقیق، چستی پرسش وی را مشخص سازیم. درک دقیق پرسش، کار پاسخگویی را آسان می‌سازد و مخاطب ما را از پاسخی که ارائه می‌دهیم، مطمئن‌تر می‌کند.^۱

۹. عدم خجالت از پاسخ "نمی‌دانم"

امام علی علیه السلام می‌فرماید: "اگر از شما سؤالی پرسیده شد که پاسخش را ندانستید، هیچ کدامتان از گفتن "نمی‌دانم" شرم نکند."^۲

البته باید کودک را مطمئن کنیم که برای هر پرسش، پاسخی روشن و آماده وجود دارد که نزد متخصصان آن موضوع است. با رعایت دیگر بایسته‌های پاسخگویی، گفتن "نمی‌دانم" باعث می‌شود آنان ما را فردی فکور و فرهیخته

۱. غلامرضا، حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۵.

۲. سید رضی، نهج‌البلاغه حکمت ۸۲، ص ۶۴۱.

بدانند و فروتنی را از ما بیاموزند.^۱ کسی که تصور می‌کند پاسخ تمامی پرسش‌ها را می‌داند، لذت یادگیری بیشتر را تجربه نخواهد کرد.^۲

۱۰. دوری از رفتارها و پاسخ‌های اضطراب‌آلود

این پرسش‌ها نشانه کمال‌جویی کودک و خداخواهی اوست.^۳ نباید از اینکه برداشت او از مفاهیم دینی دقیقاً مطابق با واقع نباشد، ترسید و نگران شد؛ زیرا او در ابتدای این مسیر قرار دارد و گستره معرفتی‌اش او بسیار محدود است. کودک را باید با تخیلات خود آزاد گذاشت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "هنگامی که پاسخ‌ها فراوان و در هم شود، حق مخفی می‌ماند."^۴

۱. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۶.
۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۱۴.
۳. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۸.
۴. سید رضی، نهج‌البلاغه حکمت ۲۴۳، ص ۶۸۱.

۱۱. پاسخ نگفتن هنگام دل مشغولی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: "حتی فردی که کفشش تنگ است و به همین دلیل آزرده‌خاطر است، از داشتن فکر و نظر درست محروم می‌ماند."^۱ بهتر است از پرسشگر بخواهند پرسش خود را در زمان دیگری مطرح کند. اگر او هم فراموش کرد سؤالش را بپرسد، آنان پیش قدم شوند و از وی بخواهند پرسش خود را مطرح سازد.^۲

۱۲. بازگویی پرسش با زبان ساده

این کار، هم نوعی همراهی با پرسشگر به شمار می‌آید و هم او را برای شنیدن دقیق پاسخ آماده می‌سازد. در ضمن با این کار، شیوه درست طرح پرسش را نیز به او می‌آموزیم.^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: "خوب پرسیدن، نیمی از دانش است."^۴

۱. طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۴ به نقل از غلامرضا، حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۹.
۲. غلامرضا، حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۱۹.
۳. همان.
۴. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۶.

۱۳. پاسخگویی پس از اندیشه و مطالعه

این احساس که "اگر من الان پاسخ ندهم، پرسشگر گمراه خواهد شد"، سبب عرضه پاسخ‌های ضعیف و تشویش‌آور می‌شود.^۱ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: "درنگ از خدا، و شتاب‌کاری از شیطان است."^۲

۱۴. پاسخ‌های سلبی

کودک را باید با تخیلات خود آزاد گذاشت و در صورت لزوم برخورد سلبی با آن کرد: "خدا مثل ما و آفریده‌های دیگر نیست؛ بلکه او آفریننده همه ماست." این نوع برخورد به کودک می‌آموزد خدا چه نیست و تصور او را از خدا تا حدی تنزیه خواهد کرد.^۳

۱. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۲۰.

۲. متقی هندی، ۱۴۰۹، ح ۵۷۴.

۳. محمد علی سادات، رفتار والدین با فرزندان، ص ۸۳؛ اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۶۰.

۱۵. پاسخگویی شجاعانه و صادقانه

بعضی از مربیان چون از ادامه پرسش و پاسخ نگران‌اند و می‌ترسند که نتوانند به پرسش‌های بعدی و دکان پاسخ دهند، پاسخی را که می‌دانند نیز مطرح نمی‌کنند. شما اطلاعات سودمند خود را به پرسشگرتان منتقل کنید و اگر با پرسش‌های دشواتری رو به رو شدید، او را به متخصص دینی ارجاع دهید یا پس از یافتن پاسخ، در فرصت دیگری به گفت‌وگو با وی بپردازید.^۱

۱۶. بیان سابقه پرسش

اگر پرسشگران بفهمند غیر از آنها کسان دیگری نیز با این پرسش‌ها مواجه هستند، فشار این‌گونه پرسش‌ها را راحت تحمل می‌کنند و اضطراب آشان کاهش می‌یابد. به قول معروف "الْبَلِيَّةُ إِذَا عَمَّتْ طَابَتْ"؛ بلا وقتی عمومی شد، گوارا می‌شود.^۲

۱. غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۱۷. یادآوری پاسخ‌های گوناگون

اگر پرسشی، پاسخ‌های گوناگونی دارد، بهتر است این نکته را به پرسشگرمان یادآور شویم. اگر هم درک پاسخ نخست برای مخاطب شما آسان‌تر است، آن را بیان کنید؛ ولی به وی یادآور شوید که پاسخ‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. با این کار، وی در می‌یابد پرسش او حتی اگر پاسخ شما را نپذیرد، بالاخره پاسخی دارد و سؤال بی‌جوابی نیست.^۱

۱۸. پاسخگویی صمیمانه

در نامه ۳۱ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام فرزند سی و چند ساله خود را بیش از ده بار با عبارت "بُنَى" (پسر) خطاب کرده که از اهمیت ارتباط عاطفی در زمان گفت‌وگوی مؤثر خبر می‌دهد. ایجاد ارتباط با پرسشگر و برخورد صمیمانه با او، جسارت طرح پرسش‌های بعدی را به وی می‌دهد و

۱. همان، ص ۲۳.



اعتماد او را به پاسخ‌های شما بالا می‌برد. جای مناسب و آرام برای گفت‌وگو، پرسیدن نام پرسشگر یا یک شوخی دوستانه می‌تواند برای ایجاد فضای صمیمانه مناسب باشد.^۱

۱۹. توجه به نیاز کودک

برای پاسخ دادن به این پرسش از خود بپرسیم: آیا در وجود خدا شک کرده؟ آیا می‌خواهد مطمئن شود همیشه کسی هست که از او مواظبت کند؟ آیا می‌خواهد خوبی و خیر را بشناسد تا راهنمایی در انتخاب داشته باشد؟ آیا می‌خواهد منشأ الهامات خود را در خدا جست‌وجو کند؟ بررسی این پرسش‌ها به ما کمک می‌کند پاسخی به کودک بدهیم که با سطح درک او متناسب باشد و نیاز موجود در پس پرسش او را برآورده سازد.^۲

۱. غلامرضا، حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، ۱۳۹۰، صص ۲۵ - ۲۴

۲. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۱۷.

۲۰. کشف مفاهیم نادرست موجود در ذهن کودکان و تلاش برای زدودن آنها

برای مثال کودک ممکن است به دلیل اجابت نشدن دعای خود ناراحت شود. ما باید او را از اهمیت پاسخ‌های منفی آگاه سازیم. به یادش آوریم که خود ما نیز گاهی خواسته‌های او را برآورده نکرده و حتی جواب رد به او داده‌ایم؛ اما همیشه خیر او را خواسته‌ایم؛ حتی علت مخالفت خود را برای او شرح دهیم. به کودک خود بیاموزیم خداوند حکیم است و صلاح هر کسی را بهتر از خودش می‌داند. بنابراین، اجابت نکردن دعای وی حتماً به سود او بوده است.^۱

تصویر کودکان از خوبی و بدی می‌تواند ایمان آنها را تحت تأثیر قرار دهد. کودکان به تدریج با احساساتی چون مرگ، گناه و خشونت آشنا می‌شوند و از سوی دیگر،

۱. همان، ص ۴۶.



احساساتی چون امید، اعتماد و شوق را نیز تجربه می‌کنند. متأسفانه بسیاری از لوازم در دسترس کودکان، اعم از بازی‌های رایانه‌ای، برنامه‌های تلویزیونی، اسباب‌بازی‌ها و غیره، خوبی و بدی را به گونه‌ای معرفی می‌کنند که پیوندی با ایمان و اخلاق ندارد. خشونت و قتل، سرگرمی و بازی شده است. کسی که در بازی رایانه‌ای مورد حمله قرار می‌گیرد، دردی احساس نمی‌کند؛ پیروزی تنها هدف بازی است و هیچ‌گونه حسابرسی و پاسخگویی وجود ندارد.^۱

۲۱. مطالعه و مشاوره

آگاه شدن از برداشتهای کودکان، با مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که در این زمینه نوشته شده و بهره بردن از نظر کارشناسان و حضور در جلسات مشاوره مذهبی به دست می‌آید.

۱. همان، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۲۲. نظیم و دسته‌بندی مطالب

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در سیره آموزشی خود، محتوای آموزشی را به ویژه هنگام زیاد و مفصل بودن، دسته‌بندی می‌کردند و به صورت منظم، به جنبه‌های گوناگون مسأله می‌پرداختند.^۱

این گونه نظام‌مندی و دسته‌بندی، افزون بر آثار آموزشی مانند سهولت یادگیری، حفظ و به خاطر سپاری، خسته نشدن کودک و مانند آن، آثار تربیتی بسیاری نیز دارد؛ مانند اینکه به ذهن کودک نیز نظم و انضباط منطقی می‌بخشد و به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه، ذهن او را منطقی و منظم پرورش می‌دهد.^۲

۱. سید علی حسینی زاده، نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۴۵.
 ۲. همان، ص ۱۴۷.

۲۳. تأکید بر مطالب مهم

لازم است مربی بر مطالب مهم‌تر بیشتر تأکید کند تا کودکان نیز با توجه به اهمیت آموزه‌ها، به آنها بها دهند و در یادگیری بخش‌های مهم‌تر، بیشتر بکوشند. افزون بر این، تأکید بر برخی مطالب، به طور کلی سبب جلب توجه کودکان به مربی و آنچه آموزش می‌دهد، می‌شود و در نتیجه، کیفیت یادگیری همه مطالب آموزشی را بالا می‌رود.^۱

۲۴. شماره‌بندی

از دیگر شیوه‌های آموزشی در سیره معصومان علیهم‌السلام، بیان محتوای آموزشی در قالب‌های عددی دوگانه، سه‌گانه، چهارگانه و چندگانه است. این کار، کودک را در فهم و به خاطر سپاری محتوا یاری می‌بخشد.^۲

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲۵. تضاد یا قرینه‌گویی

اگر بین دو عنصر، ارتباطی منطقی وجود داشته باشد، با یاد گرفتن و به خاطر آوردن یکی از آن دو، دیگری را به آسانی یاد خواهیم گرفت یا به خاطر خواهیم آورد. ارتباط بین دو چیز یا به گونه تشابه است یا به گونه تقابل. استفاده از این فن می‌تواند یادگیری و یادسپاری را در کودک بسیار افزایش دهد؛ زیرا به گفته حکما "تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضَادِهَا" اشیا را از راه ضدشان می‌توان شناخت.^۱ برای مثال می‌گوییم: بچه‌ها! من نام انسان‌های خوب را می‌گویم، شما اسم دشمنان را بیان کنید.

هشدارها و آسیب‌های پاسخگو نبودن یا پاسخگویی نامناسب

در برخی از خانواده‌ها یا مهدکودک‌ها، پرسش از بعضی از مفاهیم دینی، به ویژه پرسش از خداوند ممنوع است و زمانی

۱. همان، ص ۱۶۹ و ۱۷۱.



که کودک در این باره چیزی می‌پرسد یا اظهار نظری می‌کند، با تندی و ناراحتی پدر و مادر یا مربی روبه‌رو می‌شود که از او می‌خواهند دیگر هیچ گاه از این حرف‌ها نزنند. والدین با این کار از مسئولیت پاسخگویی به فرزندانشان فرار کنند؛ غافل از اینکه وظیفه دارند با افزایش معلومات خود، به شکوفایی فکری فرزندان و سوق دادن او به سوی خداوند بیندیشند و اگر نمی‌توانند، با شیوه‌های دیگری او را به باور توحیدی برسانند. موارد زیر از جمله آسیب‌ها و آفات موجود در برخورد خانواده‌ها و مربیان با پرسش‌های دینی کودکان، می‌باشد:

۱. بی توجهی خانواده‌ها به آموزه‌های دینی

تحقیقات نشان می‌دهد تا زمانی که اعضای خانواده به باورهای مذهبی خود پایبند باشند، فرزندانشان کمتر از دین و آموزه‌های دینی گریزان هستند. در پژوهشی در مرکز تحقیقات اجتماعی کشور مصر، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار،

جزو خانواده‌هایی بوده‌اند که به مسائل دینی اهمیت نمی‌دادند.^۱ مریبان نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

۲. خدا، ابزار تهدید

متأسفانه در بسیاری اوقات شاهدیم که کودکان با خدا ترسانده می‌شوند. این نوع برخورد با کودک، سبب می‌شود او از خداوند وحشت کند و تصور ناقصی درباره خدا به دست آورد. برخی از این کودکان فکر می‌کنند با خدایی عصبانی طرف هستند که به محض مشاهده کوچک‌ترین اشتباه، دست به تنبیه می‌زند و از وی انتقام می‌گیرد.^۲

۳. تصویر غلط از آموزش

اساسی‌ترین آسیب تدریس، تلقی غلط از آموزش یا به عبارت دیگر، از دو مقوله تدریس و یادگیری است. این آسیب در فرایند آموزش سبب می‌شود مدرّسان و حتی

۱. محمدرضا طالبان، دین داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، ص ۳۸.

۲. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۸۲.

فراگیران، از فرایند یاددهی - یادگیری برداشتی سطحی داشته باشند. برخی با وجود آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس، به جنبه‌های انسانی آن بی‌توجه‌اند و این مقوله را ابزاری ماشینی می‌نگرند. این تصویر نادرست از تدریس و یادگیری، پیامدهای نامناسب بسیاری به دنبال دارد که برجسته‌ترین آن، بی‌توجهی به اثربخشی یاددهی و در نتیجه ناکارآمدی آن است.^۱

۴. تعجیل در آموزش

مربیان که پیش از زمان مقرر انتظاراتی از کودکان دارند، مثل کسانی هستند که در بهار، درخت را برای دست آوردن میوه تکان می‌دهند؛ چنین افرادی، نه تنها در بهار میوه‌ای به دست نمی‌آورند، بلکه با این اقدام عجولانه، گذشته از اینکه سبب ریختن شکوفه‌های بهاری می‌شوند، خود را از

۱. حسینی، برنامه درسی تربیت دینی دوره کودکی سوم مبتنی بر تحول دینداری، ص ۷۰.

میوه‌های تابستانی و پاییزی محروم می‌کنند.^۱

۵. معرفی خدای ذهنی

یکی از آسیب‌های موجود در مسیر خداشناسی کودکان این است که اطلاعات والدین به گونه‌ای است که کودک را با خدایی ذهنی آشنا می‌کند؛ نه خدای زنده‌ای که همیشه همراه ماست، همه جا حضور دارد، می‌تواند از ما حمایت کند، می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم و از او کمک بخواهیم.^۲

آسیب‌ها و آفت‌های فراوان دیگری را نیز می‌توان در آموزش مفاهیم دینی، به ویژه مفاهیم دینی برشمرد که برخی از آنها بدین قرار است:

- مواجهه با مشکل در آموزش‌های بعدی؛
- مواجهه با مزاحم‌های غریزی، افکار متضاد و شبهه‌های گوناگون در نوجوانی؛

۱. آسیب‌شناسی تربیتی دینی دانش‌آموزان از مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، ص ۵۰۷ و ۵۰۸.

۲. ابراهیم اخوی، خدا در زندگی کودکان، ص ۸۳.

- بی‌پاسخ ماندن پرسش‌ها در ذهن کودک؛
- نوعی بی‌احترامی و عدم ارزش‌گذاری به پرسش او؛
- خاموشی فطرت؛
- سرکوبی حس کنجکاوی کودک؛
- وسواس فکری، سردرگمی، اضطراب، سرخوردگی، عدم اعتماد به نفس و فشار روانی؛
- احتمال شک‌گرایی و پوچ‌گرایی؛
- عدم احساس انس و نزدیکی به خدا؛
- عدم اعتماد به مربی یا والدین و قطع ارتباط کودک با آنها؛
- نادیده‌گرفتن نیازهای کودکان؛
- نداشتن دانش لازم و کافی در موضوع و به‌روز نکردن اطلاعات؛
- عدم آشنایی در به‌کارگیری روش‌ها و مهارت‌های تدریس؛
- در اختیار نداشتن فن‌آوری آموزشی متناسب با درس؛
- در اختیار نداشتن دانش به‌کارگیری فن‌آوری آموزشی؛
- در اختیار نداشتن فضای مناسب؛

- سخت‌گیری مربیان در اجرای همه دستورات خدا؛
 - ناهماهنگی رفتار و گفتار؛
 - مشاهده اشخاص مذهبی که انسان‌های ناشایستی هستند؛
 - ترس از خدا به دلیل بدرفتاری کسانی که سرپرستی او را در خانه و مهدکودک برعهده دارند؛
 - کاستی در برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی؛
 - ایجاد تضاد میان مذهب و نیازهای طبیعی.^۱
- پرسش‌های خاص کودکان و پاسخ به برخی از پرسش‌های کودکان^۲

۱. نساجی زواره، "آسیب‌شناسی تربیتی دینی دانش‌آموزان" از مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، ص ۵۰۰- ۵۱۶؛ حسینی، برنامه درسی تربیت دینی دوره کودکی سوم مبتنی بر تحول دینداری، ص ۷۱.
۲. در این بخش از مطالب کتاب‌های زیر بهره گرفته شده است:
یاب، ایرس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوازدهم، تهران: صابرین.
- حیدری ابهری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، خداشناسی قرآنی کودکان، چاپ بیست و یکم، قم: جمال.
- اخوی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، خدا در زندگی کودکان، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.

لارنس^۱ (۱۹۶۵)، مبدأ^۲، ماهیت^۳، حضور مطلق^۴، نامرئی بودن^۵، علم مطلق^۶، مکان^۷، وجود خداوند در زمان^۸ و قدرت مطلق^۹ خداوند را از جمله مهم‌ترین پرسش‌های کودکان می‌داند.^{۱۰} در کشورمان نیز پژوهشگران، فهرستی از پرسش‌های کودکان درباره خدا و پاسخ‌های قرآنی آن پرسش‌ها را گرد آورده است.^{۱۱} در این نوشته برای آشنایی و ایجاد آمادگی اولیه مربیان با پرسش‌های کودکان، فهرست پرسش‌های رایج در میان

۱. Lawrence, P.J.
۲. Origin of God
۳. Nature of God
۴. Omnipresence of God
۵. Invisibility of God
۶. Omniscience of God
۷. Location of God
۸. Existence of God in time
۹. Omnipotence of God

۱۰. پریخ دادستان، ۱۸مقاله در روان‌شناسی، ص ۲۳۷

۱۱. فک: غلامرضا حیدری ابهری، خداشناسی قرآنی کودکان، قم، جمال، چ ۲، ۱۳۸۶.

- کودکان درباره خداوند را مطرح می‌کنیم و سپس برای نمونه، به چند پرسش، پاسخ می‌دهیم. شایع‌ترین این پرسش‌ها عبارت است از:
۱. خدا کیست؟
 ۲. خدا چه رنگی است؟
 ۳. اگر کسی گول شیطان را بخورد و کار بدی انجام دهد، آیا خداوند او را می‌بخشد؟
 ۴. خدا چقدر بزرگ است؟
 ۵. آیا فقط خداست که از همه مهربان‌تر است؟
 ۶. چرا خداوند بسیاری از دعا‌های ما را اجابت نمی‌کند؟
 ۷. آیا خدا در آسمان است؟
 ۸. آیا خدا هم مو و ابرو دارد؟
 ۹. برای تشکر از خدا باید چه کار کنیم؟
 ۱۰. چرا خدا ما را به وجود آورده و هدف او از این کار چه بوده است؟
 ۱۱. وظیفه ما در برابر خدا چیست؟

۱۲. خدا شبیه چیست؟
۱۳. آیا خدا هم مثل ما می‌خوابد؟
۱۴. ما که خدا را نمی‌بینیم، از کجا بدانیم او وجود دارد؟
۱۵. مگر خداوند دست دارد که می‌گویند انسان به دست خدا آفریده شده است؟
۱۶. چرا خدا جهنم را آفرید تا آدم‌ها را در آنجا بسوزاند؟
۱۷. آیا خدا هم شیرینی دوست دارد؟
۱۸. آیا می‌توان با خدا تلفنی صحبت کرد؟
۱۹. چرا خدا آدم‌های ظالم را نابود نمی‌کند؟
۲۰. از کجا بفهمیم خدا ما را دوست دارد؟
۲۱. آیا خدا تا حالا پیر نشده است؟
۲۲. مگر خداوند زبان فارسی بلد نیست که ما در نماز باید به عربی با او حرف بزنیم؟
۲۳. خدا که همه چیز را آفریده، چه کسی خود خدا را آفریده است؟



۲۴. چرا خدا حیوانات بیچاره را طوری آفریده که آنها نتوانند حرف بزنند؟

۲۵. مگر خدا هم خانه می‌خواهد که می‌گوییم: مسجد، خانه خداست؟

۲۶. مگر خدا در آسمان است که هنگام دعا دستانمان را به آن سمت بلند می‌کنیم؟

۲۷. مگر کسی خدا را دیده که می‌گویند خدا زیباست؟
 پس از آشنایی اجمالی با پرسش‌های کودکان درباره خدا، عمومی بودن این پرسش‌ها و شیوع آن در سنین خردسالی و کودکی توجه ما را به خود جلب می‌کند. این پرسش‌ها در بیشتر کودکان مشترک است؛ البته گاه شیوه بیان و واژه‌هایی که در این باره به کار می‌گیرند، قدری متفاوت خواهد بود. بعضی از کودکان نیز به دلیل تیزهوشی ممکن است روی مصداق‌های خاصی تکیه کنند که با آشنایی مریشان با سبک عمومی پاسخ‌ها و افزودن مقداری خلاقیت

به پاسخ‌دهی، می‌توان از عهده آن پرسش‌ها نیز به خوبی برآمد.

۱. خدا کیست؟

در پاسخ درست به این پرسش و انتقال مفاهیم مورد نیاز به کودکان، توجه به چند نکته ضروری و راهگشاست: والدین و مربیان در بیشتر موارد برای توضیح دادن مفهوم خدا، از واژگانی استفاده می‌کنند که برای فرزندشان نامفهوم است. دانشمندان الهیات از واژگانی مانند: جاودان، مقدس، ازلی و ابدی، ماوراء الطبیعی، قادر مطلق و ... بهره می‌برند. این واژه‌ها حتی برای بسیاری از بزرگسالان نیز به سختی قابل درک است تا چه رسد به ذهن کودک که به هیچ وجه توان فهم آنها را ندارد. برای اینکه پاسخگوی پرسش‌های فرزندتان درباره خدا باشید، اصل ساده زیر را رعایت کنید: پاسخی به فرزندتان بدهید که با نیازهای کنونی آنان در ارتباط باشد. برای این کار باید به دو نکته توجه کنید:

الف. سطح بلوغ فرزندان در چه حدی است؟

بررسی پرسش‌های زیر به درک این موضوع کمک می‌کند:

• او چه واژگانی را درک می‌کند؟

افراد بالغ می‌توانند از واژه‌هایی چون *ازلی و ابدی*، *نامحدود* و *غیرقابل درک*، *مقدس* و *عادل* استفاده کنند، ولی در مورد کودکان زیر شش سال باید از واژگانی همچون *برای همیشه*، *بزرگ*، *قوی* و *خوب* استفاده کرد. کودکان بالاتر از شش سال می‌توانند واژه‌هایی چون *همیشه*، *همه‌جا*، *ما فوق*، *قدرتمند* و *کامل* را درک کنند.

• خدا را باید با چه چیزهایی مقایسه کنید تا برای

فرزندان قابل فهم باشد؟

ما معمولاً برای درک مجهولات و پدیده‌های جدید آنها را با دانسته‌های گذشته خود مقایسه می‌کنیم. بر این اساس، با بهره‌گیری از این روش به فرزند خود بگویید: "قوی‌ترین کسی که می‌شناسی کیست؟ خدا از او هم قوی‌تر است"،

"خدا بیش از پدر و مادرت مراقب توست"، "وقتی خوش رفتاری تو را با یک کودک فلج دیدم، به یاد خدا افتادم" و "وقتی پرنده‌ها آواز می‌خوانند، در واقع به ما می‌گویند خدا مراقب آنهاست".

• تصویر فرزندان از خدا چیست تا شما توضیحات بعدی

خود را بر اساس آن استوار کنید؟

گرچه خدا از هر تصویری بالاتر است، اما همه ما صرف نظر از سن و سال و دانش و تجربه شخصی، خدا را بر اساس تصور خود از او می‌شناسیم. برای اینکه بتوانید به پرسش "خدا کیست؟" پاسخ بدهید، ابتدا از فرزند خود بپرسید: "نظر خودت چیست؟".

ب. فرزند شما چه نیاز ویژه‌ای دارد؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از خود بپرسید: آیا در وجود خدا شک کرده است؟ آیا می‌خواهد مطمئن شود همیشه کسی هست که از او مواظبت کند؟ آیا می‌خواهد

خوبی و خیر را بشناسد تا راهنمایی در انتخاب داشته باشد؟
 آیا می‌خواهد منشأ الهامات خود را در خدا جستجو کند؟
 بررسی این پرسش‌ها به شما کمک می‌کند پاسخی به
 فرزندان بدهید که با سطح درک او متناسب باشد و نیاز
 موجود در پس پرسش او را برآورده سازد. در پاسخ‌دهی به
 پرسش فرزندان می‌توانید از باورهایی استفاده کنید که
 ادیان مختلف درباره آنها اتفاق نظر دارند. این باورها عبارت
 است از:

- خدا غایت هر چیزی است و هیچ چیزی بزرگ‌تر از او نیست. قرن‌هاست مردم زندگی خود را فدای اعتقاد به خداوند می‌کنند؛ زیرا او برای آنها مهم‌تر از زندگی است. به فرزندان بگویید: "خدا بزرگ‌ترین و بهترین چیزی است که در عالم وجود دارد".

- خدا قادر مطلق است. او می‌تواند بیافریند یا نابود کند. او می‌تواند گرفتاری را نجات دهد یا گردنکشی را به تسلیم وا دارد. او بهترین حامی و حل‌کننده مشکلات است. به

فرزندتان بگویید: "خدا قوی‌ترین و بزرگ‌ترین فرد در سراسر عالم است".

• خدا معنا دهنده زندگی است. خدا به این عالم هدف و مقصد می‌دهد و این هدفمندی جهان به همه چیز معنا می‌بخشد. حتی اموری که تصادفی به نظر می‌رسند، تحت اراده خداوند هستند. پس به فرزندتان بگویید: "خدا پاسخ تمامی پرسش‌های ما را می‌داند".

• خدا سرچشمه امید است. در مواقعی که احساس می‌کنیم شکست خورده‌ایم یا راه‌حلی برای مشکلمان وجود ندارد، توکل به خدا موجب می‌شود راهی برای خروج از مشکلات بیابیم. تمامی مذاهب راهی برای توبه و بخشایش گناهان انسان نشان داده‌اند. به فرزندتان بگویید: "خدا به ما کمک می‌کند تا بر مشکلاتمان پیروز شویم".

• خدا مقدس است و تقدس خداوند او را از پدیده‌های جهان مجزا و ممتاز می‌کند. به همین دلیل، عبادت و

پرستش مختص اوست. به فرزندتان بگویید: "خدا با هر چیزی که تصور می‌کنی تفاوت دارد".

• خدا گر چه قادر مطلق و مقدس است، می‌توان او را شناخت. تمامی ادیان در طول تاریخ معلمان و پیروانی داشته‌اند. همیشه پیامبران، رسولان، روحانیان، موعظه‌گران و معلمانی بوده‌اند که خداوند را به پیروان خود معرفی کرده و شناسانده‌اند. هنگامی که با پرسش فرزندتان درباره خدا رو به رو می‌شوید، احساس می‌کنید در جایگاه آن معلمان قرار گرفته‌اید. به فرزندتان بگویید: "خدا بزرگ‌تر از آن است که بتوان او را تصور کرد. ما فقط می‌توانیم تا حدودی صفات او را درک کنیم و هر چه بیشتر بگردیم، به درک بهتری از او دست خواهیم یافت".

• نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به خدا، کار اشتباهی است.

• به کودکان پیاموزید انسان‌هایی که به خدا اعتقاد دارند، عموماً او را منشأ خوبی‌ها و عشق می‌دانند. بیشتر ادیان بر

این باورند که انسان موجودی است ناقص. در حقیقت، اساس این ادیان نیاز انسان برای رسیدن به تکامل از راه شناخت خداوند است؛ تا جایی که می‌توان ایمان را با جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و حقیقت رفتار انسان‌ها ربط داد.

- حتی اگر خود شما باور استواری ندارید، باز هم نیازمند به توضیح دادن درباره معنای واژه خدا هستید. به خاطر داشته باشید که کودکان شما در نهایت خود تصمیم آخر را درباره زندگی معنوی‌شان می‌گیرند و شما هم باید آنها را در این مسیر تشویق کنید.^۱

۲. خدا کجاست؟

کودکان احساس خاصی درباره "خانه" دارند. از نظر آنها، خانه محلی برای سکونت، استراحت و بودن در کنار اعضای خانواده است و نوعی احساس آرامش و امنیت در آنها پدید

۱. ایرس یاب، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۱۶ - ۱۸ (با اندکی تصرف).

می‌آورد. کودکان، خانه را محل سکونت خود می‌دانند و این تصور را به تمامی پدیده‌ها تعمیم می‌دهند. از این رو، برای هر چیزی مکانی ویژه قائل می‌شوند و طبعاً این تصور را درباره خدا نیز مطرح می‌کنند و در این میان، مسجد، معبد یا کلیسا به عنوان خانه خدا تلقی می‌شود. در میان کودکان دو پاسخ اساسی در این باره وجود دارد: عده‌ای می‌گویند خدا در آسمان‌ها زندگی می‌کند. این باور تأکید زیادی بر الوهیت و تقدس ماورایی خداوند دارد. برخی دیگر بر این باورند که خدا در همه جا حضور دارد. این عده خداوند را همواره همراه خود و نزدیک‌تر از رگ گردن به خویش می‌دانند. این باور تأکید فراوانی بر همراه بودن خداوند و مراقبت همیشگی او از ما دارد. در این نگرش، خداوند وجودی است که همیشه با ما زندگی می‌کند و حتی نزدیک‌تر از یک عضو خانواده یا یک دوست، با ما همراه است. با چنین دیدگاهی خدا را به دلیل لطف و توجهی که به ما دارد، شکر می‌گزاریم.

نکته مهم این است که امکان دارد فرزندان بخواهد خدا را بر اساس نیازهای کنونی خود، در مکان و جایگاهی ویژه تصور کند. دامنه این نیازها اگرچه بسیار گسترده است، می‌تواند یکی از موارد زیر را در برگیرد:

- اگر درباره ارتباط خدا با خودش فکر می‌کند، به او بگویید: "خدا نزدیک و در کنار ماست. او ما را می‌بیند، سخنانمان را می‌شنود و از راه تمام چیزهای اطرافمان با ما ارتباط برقرار می‌کند."

- اگر درباره جایگاه خدا در عالم هستی می‌اندیشد، به او بگویید: "خدا همه جا حاضر است. او نزد ما حضور دارد، ولی در عین حال در سراسر جهان و حتی در ستارگان دوردست نیز حاضر است."

- اگر درباره منشأ خوبی‌ها و شادی‌ها می‌اندیشد، می‌توانید به او بگویید: "منشأ خوبی‌ها در بهشت است و بهشت جایگاه خداوند است."

- اگر دغدغه فکری او این است که: آیا خدا از ناراحتی‌ها،

ترس و عصبانیت او آگاه است یا خیر؟ به او بگویید: "خدا از مشکلات تو آگاه است و در برطرف کردن آنها به تو کمک می‌کند".

• اگر او حضور خدا را در مکانی مقدس یا لحظه‌ای خاص احساس می‌کند، به او بگویید: "به یقین خداوند در آنجا حضور دارد".

• اگر او اشتیاق دارد که روزی خدا را ببیند، به او بگویید: "همه ما از آن خداییم و همه به سوی او باز خواهیم گشت".

• طرح پرسش "خدا کجاست" با هر انگیزه‌ای که باشد، نیازمند این پاسخ است که خدا در همه جا حضور دارد. حالا در کجا می‌توانی خدا را ببینی و آیا قادر هستی او را به مکانی خاص محدود کنی و در آن محدوده ببینی، قطعاً خیر.

• خدا در همه جا هست؛ در کنار ستاره‌ها، در عمق دریاها و بر اوج کوه‌ها. خداوند مانند هوایی که تنفس می‌کنی، در

همه جا هست. "به هر طرف رو کنید، خدا آنجاست." ^۱
نشانه‌های حضور خدا را در همه جا می‌توانی ببینی. آنجا که
درختی میوه می‌دهد، آنجا که بلبلی از شادی آواز می‌خواند،
آنجا که ستاره‌ای چشمک می‌زند، آنجا که بیماری خدا را
می‌خواند و خدا شفایش می‌دهد، آنجا که فقیری دعا می‌کند
و خدا به او آرامش می‌دهد و . . . خدا تنها دوست خوبی
است که همه جا با ما و در کنار ماست.

۳. آیا خدا می‌تواند مرا ببیند و سخنانم را بشنود؟

مهم برای کودک، درک حضور خدا در ارتباط با خود و
مشکلات شخصی اوست. چند عامل ممکن است ذهن
کودک را به چنین پرسشی بکشاند:
• تحرک یک کودک ممکن است او را به این فکر وادارد
که: آیا خدا می‌تواند او را تعقیب کند؟

• کودک ممکن است آگاهی بیشتری درباره بزرگی و عظمت جهان به دست آورد و به راحتی نپذیرد که خدا می‌تواند همه این جهان پهناور را پر کند.

• کودکی که برای نخستین بار وارد مکانی تازه مانند مدرسه می‌شود، احساس تنهایی می‌کند و در این شرایط اضطراب‌آور از خود می‌پرسد: آیا من تنها هستم؟

• ممکن است کودک مرتکب خطایی شده باشد و از خود بپرسد: آیا خدا مرا دیده است؟ احساس حضور خداوند سبب تقویت وجدان کودک می‌شود تا حدی که حتی در نبود والدین، به آنها احترام می‌گذارد و در مورد تصمیم‌هایی که می‌گیرند، می‌اندیشد. از سوی دیگر، این احساس ممکن است باعث شود کودک همیشه خود را تحت نظارت بداند و از این بابت مضطرب و نگران شود. البته هر یک از این احساسات، بستگی به احساسی دارد که کودکان از حضور والدین خود و شیوه برخورد آنان با اشتباه کودکانشان دارد.

۴. خدا از کجا آمده است؟

پاسخ رایج به این پرسش چنین است: "هیچ کس خدا را نیافریده است. خدا همیشه وجود داشته و زمانی قبل از خدا وجود ندارد. خدا قدیم‌تر از هر چیزی است، ولی هیچ‌گاه پیر نمی‌شود و تا همیشه زنده است".

تجربه‌های کودکان نشان می‌دهد هر چیزی آغاز و پایانی دارد؛ از این رو، درک وجود خدایی که قبل از آغاز وجود داشته و پس از پایان نیز وجود خواهد داشت، برای آنها مشکل است. بهترین راه چیرگی بر این مشکل و رهایی از دام زنجیره پرسش‌های بی‌پایان درباره چگونگی جاودانگی خداوند، این است که بی‌نهایت بودن خدا را امری ایمانی و اعتقادی معرفی کنید، نه پدیده‌ای عقلی یا تجربی. ما جاودانگی خدا را می‌پذیریم؛ چون تمام کتاب‌های آسمانی، پیامبران، سنت‌ها، معلمان و مربیان ما بر آن معترف‌اند. اگر فرزندان قانع نشد ناچارید به او بگویید: من بیشتر از این چیزی نمی‌دانم؛ ولی مطمئنم خدا همیشه بوده و همیشه خواهد بود.

دنیای امروز بیش از هر زمان دیگر در حال تغییر است. در این دنیای پرتحول و آشوب، تنها چیز ثابت و قطعی و بدون تغییر، خداوند است؛ هر چند به توصیف او توانمند نباشیم. ایمان به ازلی و ابدی بودن خدا، به زندگی انسان هدف و امید می‌دهد؛ بنابراین، ایمان فرزندان را به خدا تقویت کنید.

۵. آیا خداوند تمام خواسته‌های مرا برآورده می‌سازد؟

یک تشبیه: اگر والدین در مورد تأمین خواسته‌ها و نیازهای واقعی فرزندشان و تمیز بین آنها هشیارند، خداوند بسیار هشیارتر از آنهاست. تمام منابع کهکشان‌ها در دسترس و تحت اراده و تسلط خداست. او چون از ابتدا می‌تواند عاقبت امور را ببیند، قادر است نیازهای واقعی ما را از خواسته‌های کاذب تشخیص دهد و اگر چیزی مطلوب را از صمیم قلب از او بخواهیم، حتماً خواسته‌مان را برآورده می‌سازد.

شما چه کمکی می‌توانید بکنید که فرزندان تصویری بزرگ‌تر از خدا داشته باشد؟

• به او بیاموزید خداوند صلاح او را بهتر از خودش تشخیص می‌دهد. به او بیاموزید چگونه چیزی را از خداوند بخواهد و همان گونه که برای خودش دعا می‌کند، برای دیگران نیز دعا کند. اهمیت دادن به نیاز دیگران، پادزهر غرور و خودخواهی است. کودکی که به نیازهای دیگران اهمیت می‌دهد، خواسته‌های خود را تعدیل می‌کند، وسعت نظر می‌یابد و خواسته‌های جمعی خواهد داشت، نه فردی.

• خواسته‌های پسندیده داشته باشید و قبل از دعا درباره نیاز خود بیندیشید. این تفکر سبب می‌شود خواسته خود را اصلاح کنید و کودکان را با خواسته‌ها و دعا‌های درست آشنا سازید.

• خدا را برای آنچه دارید و هر چه پیش‌تر به شما بخشیده، شکر گوید. هر شب به خودتان یادآوری کنید که طی روز چه اتفاقی باعث شادی شما شده و قابل شکرگزاری است. به فرزندان بیاموزید حتی برای امور ناراحت کننده نیز شکرگزار باشد: "بارانی که باعث بر هم خوردن گردش

خانوادگی شده، از سوی دیگر عامل رشد و سرسبزی گل‌ها و مزارع است." سپاسگزاری به دلیل داشته‌های کنونی، سبب قناعت و جلوگیری از فزون‌طلبی خواهد شد.

• حتی در صورت برآورده نشدن نیازهایتان، شکرگزار باشید. کودک ممکن است به دلیل اجابت نشدن دعای خود ناراحت شود؛ شما باید او را از اهمیت پاسخ‌های منفی آگاه سازید. به یادش آورید که خود شما نیز گاهی خواسته‌های او را برآورده نکرده و حتی جواب رد به وی داده‌اید، ولی همیشه خیر او را خواسته‌اید. حتی مخالفت خود را برای او شرح دهید. به کودک خود بیاموزید که خداوند حکیم است و صلاح هر کس را بهتر از خودش می‌داند. بنابراین، اجابت نکردن دعای وی حتماً به نفع او بوده است. به او بگویید خود خدای مهربان در قرآن ما را به دعا تشویق کرده و فرموده است: "زمانی که بندگانم درباره من می‌پرسند، بگو من نزدیکم و به دعای دعا کننده وقتی مرا صدا می‌زند،



پاسخ می‌دهم." "اگر خدا نمی‌خواست به ما کمک کند، به ما نمی‌گفت دعا کنیم. اما اگر همه دعا‌های ما انسان‌ها برآورده می‌شد، نظم دنیا به هم می‌ریخت. مثلاً کشاورز دعا می‌کند که باران بیاید، ولی مسافر دعا می‌کند باران نیاید. به علاوه، خیلی از چیزهایی که در دعا از خدا می‌خواهیم به صلاح ما نیست. خدا این گونه دعاها را هم انجام نمی‌دهد؛ چون ما را دوست دارد. از این گذشته، خیلی وقت‌ها خدا دعای ما را مدتی بعد برآورده می‌کند و ما نباید عجله کنیم. گاهی هم خدا بهتر از آنچه از او خواسته‌ایم به ما می‌دهد و ما چون عجله داریم، فکر می‌کنیم خدا به ما توجه ندارد.

دعا، گفت‌وگوی دوستانه ما با خداست. این از مهربانی خداست که اجازه داده است هر وقت و هر جا که خواستیم، بتوانیم با او حرف بزنیم. حتی اگر خدا خواسته‌تو را انجام ندهد و دعایت را اجابت نکند، باز تو را دست خالی

بر نمی‌گرداند. خدا به دلیل آنکه تو با او حرف زده‌ای، حتماً در بهشت به تو پاداش خواهد داد.

پس ما هیچ‌گاه از دعا کردن ضرر نمی‌کنیم؛ یا به خواسته خود می‌رسیم یا خدا بهتر از آن را به ما می‌دهد و یا به دلیل دعا کردن برایمان پاداش در نظر می‌گیرد. گذشته از اینها، گفت‌وگوی با خدا سبب آرامش ما می‌شود، دلمان را روشن می‌سازد و شادی و امید را وارد زندگی ما می‌کند.

ع. خدا چقدر بزرگ است؟

برای پاسخ به این پرسش در دوره خردسالی می‌توان نخست پرسید: بزرگ‌ترین چیزی که می‌شناسی چیست؟ پاسخ کودک هر چه باشد، به او می‌گوییم خدا از آن هم بزرگ‌تر است. خدا از هر چه ما خیال می‌کنیم، بزرگ‌تر است و ما نمی‌توانیم برای بزرگی خدا اندازه‌ای مشخص کنیم. هر چیزی که بگویی، خدا از آن بزرگ‌تر است و ذهن کوچک ما آدم‌ها نمی‌تواند بزرگی خدا را بفهمد.



۷. آیا خدا هم بالاخره خواهد مرد؟

علت مرگ و نابودی، پژمردگی، پوسیدگی، ساییدگی، بیماری و آسیب‌دیدگی است؛ اما هیچ‌یک از اینها درباره خدا معنا ندارد تا بگوییم او هم خواهد مرد. خدا مثل یک شاخه گل نیست که نیازمند آب باشد و از بی‌آبی بمیرد؛ خدا مثل شمع نیست که آهسته آهسته از وجودش کم شود و سرانجام خاموش گردد؛ خدا مثل کبوتر نیست که آسیب ببیند و بمیرد؛ مثل انسان هم نیست که بیمار شود و به دلیل بیماری، به چنگال مرگ درآید.

خدا موجودی بی‌نیاز، قوی، پابرجا و آسیب‌ناپذیر است؛ به همین دلیل، هیچ‌گاه نخواهد مرد. "بر (خدای) زنده‌ای تکیه کن که هرگز نمی‌میرد".^۱

۸. آیا خدا هم مثل ما می‌خوابد؟

چون کودکان شرایط زندگی خداوند را مثل خودشان

۱. فرقان: ۵۸.

فرض می‌کنند، ممکن است چنین پرسشی به ذهنشان خطور کند. در پاسخ از یک آیه کوتاه قرآنی استفاده کنید: "خدا نه چرت می‌زند و نه می‌خوابد"^۱ و سپس در توضیح آن بگویید: همان‌طور که کره زمین، خورشید، چشمه‌ها و رودها سالیان درازی است به کار مشغول‌اند و نمی‌خوابند، خدا هم که آفریدگار همه اینهاست، نمی‌خوابد و به خواب نیاز ندارد و حتی خود خواب هم یکی از آفریده‌های اوست.

۹. چرا خدا جهنم را آفرید تا آدم‌ها را در آن بسوزاند؟

در پاسخ به این پرسش بگویید: خدا اصلاً دوست ندارد کسی را به جهنم ببرد. او ما را با عقل و فرستادن پیامبران هدایت کرده تا به جهنم نرویم. فقط کسانی که به حرف خدا گوش نکنند و بعد از انجام گناه به جای توبه، به انجام کار بد دیگری پردازند، به جهنم می‌روند. به نظر تو، کسی مثل صدام که هزاران نفر را کشت، نباید به جهنم، برود. جهنم

نتیجه کار خود آدم‌های کافر و گناهکاران است؛ همان‌طور که مسواک نزدن، سبب خرابی دندان، پرخوری موجب بیماری و لباس نازک در هوای سرد مایه سرماخوردگی می‌شود. جایی که خداوند برای آدم‌ها در نظر گرفته، بهشت است: "خدا شما را به سوی بهشت فرامی‌خواند."^۱

۱۰. آیا خدا مرا دوست دارد؟

من خدا را دوست دارم؛ آیا خدا هم مرا دوست دارد؟ می‌توانم با خدا دوست شوم و هر گاه خواستم از او کمک بگیرم. در پاسخ چنین برداشت‌هایی باید گفت: هر کس ما را دوست دارد، علاقه‌اش را به شکلی نشان می‌دهد. معلم با آموختن دانش، پدر و مادر با بزرگ کردن ما و تهیه لباس و غذا و هم‌کلاسی با کمک به ما. خدا هم ما را دوست دارد و این علاقه را با دادن نعمت‌های بسیار به ما نشان داده است: "او خدایی است که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای

۱. بقره: ۲۲۱.

شما آفرید." ^۱ خوردنی‌ها، پدر و مادر خوب، معلم خوب، بدن سالم، هوای تازه، خورشیدی که همه جا را گرم و روشن می‌کند، کار خوبی که به بابا داده و همه اینها، هدیه‌های خداوند به ماست که از علاقه زیاد او به ما خبر می‌دهد.

۱۱. آیا خدا تا حالا پیر نشده است؟

ذهنیت محدود کودکان، برای هر موجودی آغاز و انجامی طراحی می‌کند. درباره خداوند نیز این قانون از نگاه کودکان برقرار است. در روشن‌گری این موضوع باید با توضیحاتی ساده و گویا به او بگوییم:

دوران پیری بعد از کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی قرار دارد. موجوداتی پیر می‌شوند که مراحل پیشین را گذرانده باشند. اگر بگوییم خدا پیر شده است، یعنی او هم کودک بوده و بعد به نوجوانی و جوانی رسیده و بزرگسالی را نیز پشت سر گذاشته است؛ در حالی که این حرف اصلاً



درست نیست. خدا از هر نظر با ما فرق دارد و ما نباید او را با خودمان مقایسه کنیم: "لم یولد"؛ خدا هرگز زاییده نشده است و دوران کودکی و ... را نداشته است. ما آدم‌ها در هر مرحله از زندگی کامل‌تر می‌شویم، ولی خدا هیچ‌گاه ناقص نبوده تا با گذشت زمان کامل شود.

۱۲. اگر کسی گول شیطان را بخورد و کار بدی انجام دهد، آیا خدا او را می‌بخشد؟

ممکن است همه ما در زندگی اشتباه کنیم. اگر گاهی گول شیطان را خوردیم و کار بدی کردیم، باید مواظب باشیم بار دیگر آن کار بد را تکرار نکنیم. خدا مهربان‌تر از آن است که گناهکار پشیمان را نبخشد. فقط کافی است از کار بدی که کرده‌ایم، پشیمان شویم؛ او خیلی زود ما را می‌بخشد. خود خدا در قرآن وعده بخشش داده و فرموده است: "خدا بخشنده گناه و پذیرنده توبه است".^۱

جمع‌بندی

مطالب مطرح شده در این بخش که برگرفته از نظر کارشناسان در این زمینه است، به ما نشان می‌دهد پاسخ گفتن به پرسش‌های کودکان درباره خداوند، در عین سادگی، پیچیده و نیازمند مهارت‌های ویژه است. مربیان و والدین در صورتی که از فضای روان‌شناختی کودکان آگاهی بیشتری داشته باشند، می‌توانند اطلاعاتشان را در قالبی مناسب به کودکان منتقل کنند. پاسخ‌های ذکر شده در این بخش، نمونه‌هایی است برای پاسخ و مانع خلاقیت و هنر ارائه مطلب از سوی مربیان نمی‌باشد.

ویژگی‌های مربی

در جمع‌بندی کلی، می‌توان ویژگی‌های مربی را در صلاحیت‌های چهارگانه زیر جست‌وجو کرد:

الف) صلاحیت شناختی:

- ایمان به مبانی اعتقادی و ارزش‌های دینی؛
- شناخت عمیق محتوا و تسلط بر آن؛
- شناخت ویژگی‌های کودک؛
- آشنایی با شیوه‌ها و فنون تربیتی؛
- درک شرایط زمانی و مکانی.

ب) صلاحیت عاطفی:

- محبت و نرمش؛
- علاقه به کودکان؛
- داشتن انگیزه فعالیت‌های تربیتی؛
- آرامش و برخورداری از بهداشت روانی.

ج) صلاحیت مهارتی

- آسان‌گیری و ملایمت؛
- تشویق به جا (به‌ویژه در رفتارهای ارزشی)؛
- الگوپردازی عملی؛
- به‌کارگیری فن‌آوری آموزشی متناسب؛
- به‌کارگیری روش‌های تدریس متناسب با محتوا؛
- آمادگی قبلی مربی.

د) صلاحیت اخلاقی

- فروتنی؛
- وضو و طهارت؛
- احترام به دانش و دانش‌آموز؛
- دعا و یاری‌طلبی از خداوند؛
- صداقت و صمیمیت؛
- صبر و تحمل؛
- عفت در گفتار؛
- خویش‌داری؛
- رعایت نظافت و آراستگی ظاهر؛
- شهامت مربی در اظهار حق.^۱

"و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین"

۱. سید یاسر، حسینی، برنامه درسی تربیت دینی دوره کودکی سوم مبتنی بر

تحول دین‌داری، ص ۶۸



پرسش‌های فصل

گوش دادن فعال و هنرمندانه به پرسش‌های کودکان چه آثاری به دنبال دارد؟
فرمایش امام علی علیه السلام در مورد کسی که پرسشی را نمی‌داند چیست؟
پنج مورد از آسیب‌های پاسخگو نبودن یا پاسخگویی نامناسب را نام ببرید.
از نگاه لارنس مهم‌ترین پرسش‌های کودکان درباره خدا چه پرسش‌هایی است؟
ویژگی‌های مربی را به طور خلاصه بیان کنید.

سؤال برای تفکر بیشتر

کودکان پیش‌دبستانی در کلاس چه پرسش‌هایی مطرح می‌کنند؟ پرسش‌های پرتکرار کدام است؟ آیا جنسیت و نوع خانواده‌ای که در آن رشد کرده‌اند، در این پرسش‌ها مؤثر است؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. اخوی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *خدا در زندگی کودکان*، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، (فصل چهارم)
۲. استاپرد، میریام، (۱۳۸۵)، *پرسش‌های کودکانه و پاسخ آن*، ترجمه فرهاد سوری، چاپ پنجم، تهران: نشر دانش ایران.
۳. حیدری ابهری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، *خداشناسی قرآنی کودکان*، چاپ بیست و یکم، قم: جمال.
۴. یاب، ایرس، *کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا*، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوازدهم، تهران: صابرین. (بخش اول کتاب)

کتابنامه

۱. **قرآن کریم**، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۸.
۲. **نهج البلاغه**، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، چاپ اول، قم: مؤمنین، ۱۳۷۹.
۳. **دیوان امام علی علیه السلام**، ترجمه: مصطفی زمانی، قم: انتشارات پیام اسلام، ۱۳۶۲.
۴. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین ابوعبدالله محمد، **مناقب آل علیهم السلام** ۴ جلد، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۶. اخوی، ابراهیم، **خدا در زندگی کودکان**، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۰.
۷. استاپرد، میریام، **پیرشش های کودکانه و پاسخ آن**، ترجمه فرهاد سوری، چاپ پنجم، تهران: نشر دانش ایران، ۱۳۸۵.

۸. افروز غلام‌علی، *روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان*، چاپ پنجم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
۹. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
۱۰. باهنر، ناصر، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، چاپ نهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. "تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان"، *دو فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲، ص ۲۰۳ - ۲۳۵، ۱۳۸۷.
۱۲. بستانی، محمود، *اسلام و روان‌شناسی*، ترجمه: محمود هویشم، چاپ سوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۱۳. بناری، علی همت، "نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت"، *معرفت*، ش ۵۷، ص ۳۹ - ۴۹، ۱۳۸۱.
۱۴. بی‌ریا، ناصر و دیگران، *روان‌شناسی رشد*، چاپ دوم، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۱۵. پارسا، محمد، *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*، چاپ هفتم، تهران: بعثت، ۱۳۷۳.

۱۶. التستری، نور الله، *الصواعق المهرقه فی جواب الصواعق المحرقة*، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۷ هـ ق
۱۷. تقوی، سیده زینب و محمود ستارزاده، "بررسی تأثیر آموزه‌های دینی در مهدکودک‌های تحت پوشش بهزیستی استان مازنداران بر ارتقا هماهنگی رفتاری والدین"، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ش ۹، ص ۹۵ - ۱۰۶، ۱۳۸۹.
۱۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۹. جهانگرد، یداله، *نحوه رفتار والدین با فرزندانشان*، چاپ چهارم، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. چاری، حسین و راضیه نصیرزاده، "تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی - اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان"، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۵۳ - ۶۸، ۱۳۸۶.
۲۱. حرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ ق

۲۲. حسینی، سید یاسر، *برنامه درسی تربیت دینی دوره کودکی، سوم مبتدی بر تحول دین‌داری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰.
۲۳. حسینی زاده، سید علی، *تربیت فرزندان؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ چهارم، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۲۴. *نگرشی بر آموزش؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ چهارم، ج ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۵. حیدری ابهری، غلامرضا، *خداشناسی قرآنی کودکان*، چاپ بیست و یکم، قم: جمال، ۱۳۹۰.
۲۶. خداپناهی، محمد کریم، *انگیزش و هیجان*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۶.
۲۷. دادستان، پریخ، *۱۸ مقاله در روان‌شناسی*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲۸. داوودی، محمد، *تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ سوم، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۲۹. *نقش معلم در تربیت دینی*، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

۳۰. داوودی، محمد و سید علی حسینی زاده، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ* و *اهل بیت علیهم السلام*، چاپ اول، قم: و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۳۱. دبس، موریس، *مراحل تربیت*، ترجمه: علیمحمد کاردان، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، *امثال و حکم*، چاپ نهم، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶.
۳۳. دهنوی، حسین، *نسیم مهر*، چاپ شانزدهم، ج ۱، قم: خادم الرضا علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۳۴. سادات، محمد علی، *راهنمای پدران و مادران*، چاپ دوم، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۳۵. *رفتار والدین با فرزندان*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶.
۳۶. سادئی، علی و محمد جعفر جوادی، "بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش آموزان به نماز"، *پیوند*، ش ۲۱۵-۲۱۳، ص ۶۴ - ۷۷، ۱۳۷۴.
۳۷. سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، *الدر المشور*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ ق

۳۸. شرفی، محمدرضا، *مراحل رشد و تحول انسان*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۹. شکراللهی، مهدی، *اصول و شیوه‌های تربیت عبادی در برنامه درسی دوره ابتدایی بر مبنای قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۴۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳هـ.ق
۴۱. طالبان، محمدرضا، *دین‌داری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، چاپ اول، تهران: فجر اسلام، ۱۳۸۰.
۴۲. طباطبائی، سید محمد حسین، *سنن النبی صلی الله علیه و آله*، ترجمه: محمد هادی فقهی، چاپ هفتم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۸.
۴۳. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲هـ.ق
۴۴. طبسی، محمد جواد، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام* چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۴۵. الطوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *أمالی*، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴هـ.ق

۴۶. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعة*، ۲۹ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ هـ ق
۴۷. عاملی جبعی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*، ترجمه: سید محمد باقر حجتی، چاپ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۴۸. فلسفی، محمد تقی، *گفتار فلسفی؛ نقش وراثت و تربیت*، ج ۱، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱.
۴۹. *گفتار فلسفی؛ نقش وراثت و تربیت*، ج ۲، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۲.
۵۰. قمی، عباس، *سفینه البحار*، ج ۱، قم: اسوه، ۱۴۱۶ هـ ق
۵۱. کلینی، ثقة الاسلام، *کافی*، ۸ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
۵۲. المتقی الهمدی، علی بن الحسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ هـ ق
۵۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ۱۱۰ جلد، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ ق
۵۴. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، چاپ چهارم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.

۵۵. حکمت‌نامه کودک، مترجم و همکار: عباس پسندیده، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۵۶. نوری الطبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: آل‌البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۷. مقدسی پور، علی، *اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱.
۵۸. "اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان"، *ماهنامه معرفت*، سال دوازدهم، ش ۷۵، ص ۳۶ - ۴۴، ۱۳۸۲.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ بیستم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۱.
۶۰. منصور، محمود، *روانشناسی ژنتیک*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
۶۱. منطقی، مرتضی، *روانشناسی تربیتی*، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۲.
۶۲. نساجی زواره، "آسیب‌شناسی تربیتی دینی دانش‌آموزان" *از مجموعه مقالات همایش تربیت دینی*، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.

- ۶۳ نوذری، محمود، توصیف و ارزیابی رویکرد شناخت رشد دینی، دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۱۳۹ - ۱۶۸.
- ۶۴ نصیرزاده، راضیه - حسین چاری، مسعود، تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی - اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان، نشریه: روان‌شناسی و علوم تربیتی "روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)"، ص ۵۳ - ۶۸، پاییز ۱۳۸۶ - شماره ۱۳، ۱۶.
- ۶۵ نوذری، محمود، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، پایان‌نامه دکتری، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
- ۶۶ یاب، ایرس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوازدهم، تهران: صابرین.
- ۶۷ نرم افزار حدیثی نور، ۱۳۸۳.